

قراردادهای (مؤجل) آتی در بورس اوراق بهادار^۱

مرتضی چیت‌سازیان^۲

عضو هیأت علمی دانشگاه قرآن و حدیث پردیس، تهران، ایران

مژگان نوع‌پرور

دانشجوی ارشد فقه و حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

یکی از انواع ابزارهای مشتقه، قراردادهای آتی (مؤجل) است که در تجارت و دادوستد و به‌خصوص در بازار بورس اوراق بهادار به‌عنوان ابزاری برای پوشش ریسک ناشی از نوسانات قیمت به‌کار می‌رود. قراردادهای آتی شباهت زیادی به معاملات سلف دارد و تنها وجه تمایز آن از معاملات سلف آن است که در قراردادهای آتی، ثمن نیز مانند مبیع مؤجل می‌باشد. در قراردادهای آتی یکی از طرفین متعهد می‌شود دارای موضوع قرارداد، یعنی دارایی پایه را که می‌تواند کالا، ارز، اوراق بهادار، و یا شاخص سهام باشد، در تاریخ معینی در آینده تحویل دهد و قیمت آن را دریافت کند و طرف مقابل هم متعهد می‌شود دارایی پایه را با همان مشخصات، تحویل گرفته و بهای مشخص شده را بپردازد. برای الزام طرفین به انجام تعهداتشان، اتاق پایابای بورس مبلغی را به‌عنوان وجه تضمین از آنها می‌گیرد و باید متناسب با تغییرات قیمت، آن را تعدیل کنند. وجه تمایز این قراردادها با پیمان آتی، استاندارد بودن آنهاست که کیفیت و کمیت کالاها مشخص می‌گردد. علماء و دانشمندان حوزه و دانشگاه قراردادهای آتی را در قالب قراردادهای معین در فقه مانند بیع کالی به کالی، استصناع، عربون، صلح و مانند آن مورد بررسی قرار داده‌اند لکن این قرارداد ذیل هیچ یک از انواع قراردادهای معین قرار نمی‌گیرد و باید آن را عقدی مستقل به‌شمار آورد. هم‌چنین عده‌ای نیز این قراردادها را قمار دانسته‌اند یا این که حکم به ربوی بودن این قراردادها کرده‌اند و آن را نامشروع و باطل شمرده‌اند ولیکن طبق ادله و مستندات عقلی و نقلی در قرارداد آتی قمار و ربا راه نداشته و شبهه نامشروع بودن آن وارد نمی‌باشد و به‌استناد آیه (أحلّ الله البیع) این نیز در زمره معاملات صحیح و مشروع قرار می‌گیرد. قرارداد آتی با استناد به آیه (أوفوا بالعقود) جزء عقود لازم می‌باشد و از دیگر ویژگی‌های آن تشریفاتی، عهدی و معوض بودن آن است.

کلیدواژه‌ها: قراردادهای آتی (مؤجل)، بورس اوراق بهادار، ابزارهای مشتقه، ریسک.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۲/۹؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۵/۲۷

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): morteza.chitsazian@yahoo.com

مقدمه

رشد و توسعه بازارهای مالی از یک سو و نگرانی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان از ناپایداری و نوسان قیمت‌ها از سوی دیگر سبب شد تا پیمان‌های آتی و سپس قراردادهای آتی به‌عنوان یکی از بارزترین نمونه‌های ابزارهای مشتقه جهت پوشش و کنترل ریسک تغییر قیمت‌ها و تضمین امنیت سرمایه‌گذاری در تولید و مصرف طراحی شوند. هرچند فلسفه ابداع این قراردادها در ابتدا پوشش ریسک بود، اما به تدریج به‌عنوان وسیله‌ای برای سرمایه‌گذاری و کسب سود نیز مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که دادوستد کالا در بورس‌های کالایی به دوگونه اصلی تعریف می‌شود: ۱. دادوستد نقدی که در آن تحویل آتی کالا هدف اصلی است. ۲. دادوستد آتی که کارکرد اصلی آن کشف قیمت و فراهم آوردن امکان مدیریت خطر یا انتقال خطر برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان از طریق ریسک‌پوشانی است. البته در طول زمان این قراردادها طرفدارانی فراتر از پوشش‌دهندگان ریسک پیدا کرده است به‌گونه‌ای که برخی از معامله‌گران با انگیزه‌های دیگر از قبیل آرابیتراژ یا سفته‌بازی وارد این معاملات می‌شوند تا جایی که طبق آمارهای موجود بیش از ۹۵ درصد قراردادهای آتی منجر به تحویل کالا نمی‌شوند. در قوانین موضوعه کشور، قبل از دهه ۸۰ نامی از قرارداد آتی به چشم نمی‌خورد و برای اولین بار آیین‌نامه بورس فلزات تهران به قراردادهای آتی اشاره کرد. شورای عالی بورس و اوراق بهادار نیز در بهمن ۱۳۸۶ اقدام به تصویب این قرارداد کرد. از بدو مواجهه کشورهای اسلامی با ادبیات این قراردادها، تردیدها در مورد شرعی بودن آنها بالا گرفت. در نتیجه این تردیدها، اندیشمندان اسلامی (اعم از شیعه و اهل تسنن) درباره این قراردادها و به‌طور کلی ابزارهای مشتقه اظهار نظر کرده‌اند. هم‌چنین به جهت لزوم مطابقت قوانین کشور با احکام اسلام و مطابق اصل چهارم قانونی اساسی که کلیه قوانین کشور باید براساس موازین اسلام باشد بر متخصصان مسلمان و علمای حقوق است که این قبیل موضوعات را مورد بررسی دقیق قرار دهند تا حکم شرعی آن روشن گردد و ابهاماتی که در این زمینه وجود دارد از بین برود. چراکه این ابزارها هر قدر

هم مفید باشند، برای آن که بتوانند در یک نظام مالی اسلامی مورد استفاده قرار گیرند باید از منظر شرع نیز معتبر باشند. به همین جهت بررسی و ماهیت و آثار این قراردادها به عنوان بخشی از نظام حقوقی کشور امری ضروری به نظر می‌رسد.

در راستای اهداف مزبور، تلاش می‌شود به سؤالات متناسب با این پژوهش پاسخ داده شود: اولاً: قراردادهای آتی (موجّل) در بورس اوراق بهادار در فقه و حقوق از چه ماهیت و جایگاهی برخوردار می‌باشد؟ و ثانیاً آیا قرارداد آتی نوعی بیع دین به دین یا کالی به کالی است و محکوم به بطلان است؟ و ثالثاً: اوصاف و آثار این قراردادها چیست؟

فرضیاتی که در راستای سؤالات فوق قابل طرح است بدین قرار است: قراردادهای آتی در جامعه اسلامی با موازین شریعت اسلامی منافاتی ندارد اگر این نظریه فقهی مبنا قرار گیرد که اولاً وفا به تعهدات لازم است؛ ثانیاً عدم قبض ثمن در قرارداد سلف موجب بطلان اصل قرارداد نمی‌شود؛ و ثالثاً بیع مؤجل به مؤجل مطلقاً باطل نیست بلکه بیع مؤجل به مؤجل در صورتی که یکی از ثمن و مثن دین نباشد صحیح است، آنچه به نظر فقها قطعی است، منع فروش دین به دین است؛ به این معنا که بایستی مورد مبادله پیش از عقد بیع، دین باشد نه این که به وسیله عقد دین شود. شیوه محتوایی این پژوهش در بخش فقه امامیه و در بخش حقوق، با استفاده از منابع متعدد فقهی و حقوقی، بیشتر حالت تحقیق کتابخانه‌ای دارد. و روش غالب پژوهش، ارزیابی نظریات و آراء، نقّادی و تبیین استدلالی متناسب با آن می‌باشد. و از طریق توصیف و تحلیل، به بررسی موضوع پرداخته شده است. در ضمن با مراجعه به کتابخانه‌ها و استفاده از منابع مختلف اعم از کتاب‌های تألیف شده در این مورد و مقالات و پایان‌نامه‌های نگارش شده در این زمینه، مطالب گردآوری شده است. هم‌چنین از منابع اینترنتی نیز بهره گرفته شده است. پس از توصیف این قراردادها به تحلیل فقهی و حقوقی نیز پرداخته شده است. در ادامه در چند مبحث به بررسی کلیاتی راجع به قراردادهای آتی می‌پردازیم تا پس از آشنایی بیشتر با این قراردادها زمینه بررسی فقهی و حقوقی قراردادهای آتی فراهم گردد. و اما ضرورت‌ها و اهدافی که باعث نگارش این

پژوهش گردید: اول نیاز میرم جامعه اقتصادی ما و بازرگانان و تجار و دوم عدم مشروعیت بعضی از قراردادهای در جامعه که این امور از معضلات بشری در جامعه بود. با تحقیقاتی که حدود موضوع مورد نظر در کتابخانه‌ها و سایت‌های اینترنتی انجام داده شد پایان‌نامه و مقاله‌ای در این موضوع نیافتم. تحقیقاتی که در زمینه ابزارهای مشتقه و قراردادهای آتی انجام شده است بیشتر با رویکرد مدیریتی و اقتصادی بوده و تحقیق جامعی که به بررسی فقهی و حقوقی این نوع قراردادهای پرداخته باشد بسیار محدود بوده و همین تحقیقات محدود هم توانسته پیچیدگی‌های این موضوع را به خوبی بررسی کند. لذا تلاش شد در این تحقیق به ابعاد مختلف و پیچیده این نوع قراردادهای پرداخته شود.

مفهوم لغوی و اصطلاحی قراردادهای آتی

معنای لغوی: عبارت قراردادهای آتی ترجمه «Future contracts» است. بنابراین برای شناخت مفهوم لغوی آن باید مفردات آن را مورد بررسی قرار دهیم. «Future» به معنی مستقبل، بعدی، آینده و آتیه به کار می‌رود.^۱ «Contract» هم به معنی عقد، قرارداد، پیمان و مقاطعه است.^۲ ترجمه‌های مختلفی از «Future contracts» شده است که برخی عبارتند از: قراردادهای آتی یکسان،^۳ قراردادهای سلف استاندارد، پیمان‌های آتی قابل معامله،^۴ قرارداد آتی‌ها،^۵ پیمان آتی و بالأخره قراردادهای آتی.^۱

۱. ریان‌پور کاشانی، عباس، فرهنگ دانشگاهی آریان‌پور، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸ش، ص ۸۶۹.

۲. گروه مؤلفان، فرهنگ حقوقی مجد، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸ش، ص ۱۲۰.

۳. معصومی‌نیا، غلام‌علی، بررسی فقهی و اقتصادی ابزارهای مشتقه، تهران، انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۷۵.

۴. جهان‌خانی، علی، فرهنگ اصطلاحات مالی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۵ش، صص ۲۸۳ و ۲۸۴.

۵. درخشان، مسعود، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، تهران، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۹۲.

معنای اصطلاحی: برای قرارداد آتی تعریف‌های متفاوتی صورت گرفته است. برخی تعاریف، ناظر به تعریف قرارداد آتی صرف‌نظر از معنای خاص آن در بورس اوراق بهادار است. از جمله دکتر لنگرودی در این خصوص آورده است: «بیع مال آینده (بیع آتی)، بیعی است که مبیع آن در تاریخ وقوع عقد وجود ندارد؛ ولی بایع تعهد می‌کند که بعداً آن را فراهم کند و سر موعد تحویل دهد مانند نجاری که یک دست مبل می‌فروشد که دو ماهه تحویل دهد. این مبل‌ها باید در آینده ساخته شوند و تاریخ تشخیص مبیع بعد از وقوع بیع است».^۲ از نظر یکی دیگر از اساتید حقوق هم «بیع کالای آینده براساس دیدگاه‌های فقهی به این نحو حاصل می‌شود که پس از مذاکرات لازم میان طرفین قرارداد، سازنده کالا مقداری از مصنوعات خود را در برابر قیمت آنها به ملکیت سفارش‌دهنده درمی‌آورد و سفارش‌دهنده هم این ملکیت را می‌پذیرد به‌گونه‌ای که در انشای این ملکیت هیچ‌گونه حالت انتظار آینده برای آنها باقی نمی‌ماند».^۳ و یا: قرارداد آتی توافقی است برای خرید یا فروش یک دارایی در زمانی مشخص در آینده با یک قیمت معین. قراردادی است که دارنده آن متعهد می‌شود دارایی موضوع قرارداد، یعنی دارایی پایه را که ممکن است کالا، ارز یا اوراق بهادار باشد در آینده خریداری کرده یا بفروشد.^۴

۱. تداقتن، قراردادهای آتی، ترجمه کارگزاری بانک صنعت و معدن، تهران، انتشارات کارگزاری بانک صنعت و معدن، ۱۳۸۳ش؛ هال، جان، مترجم صالح‌آبادی، علی، سیاح، سجاد، مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، تهران، رایانه تدبیر پرداز، ۱۳۸۴ش.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۹۲۵.

۳. قنوتی، جلیل، «مطالعه تطبیقی زمان انتقال ملکیت در عقد بیع»، اندیشه‌های حقوقی، شماره ۵، ۱۳۸۲ش، ص ۵۵.

۴. درخشان، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، ص ۱۳۶.

بورس، جایگاه، کارکرد، ابزارهای مشتقه و نقش اساسی اتاق پایاپای بورس در بازارهای آتی

بورس واژه‌ای فرانسوی و برگرفته از یک نام یونانی است و در اصطلاح به نوعی بازار و یا نوعی معامله گفته می‌شود که در آن اسناد، اوراق مالی، پول‌های کشورهای مختلف، طلا و نقره و امثال آنها مبادله می‌شود. این واژه به‌طور معمول همراه با اضافه به‌کار می‌رود؛ مانند بورس اوراق بهادار، بورس فلزات، بورس جواهرات و اگر به صورت مطلق استفاده شود منظور بورس اوراق بهادار است.^۱ واژه بورس از نام‌خانوادگی شخصی به‌نام وارند بورس گرفته شده است که در اوایل قرن پانزدهم میلادی، در شهر بروژ بلژیک زندگی می‌کرد و صرافان آن شهر در مقابل خانه او دور هم جمع می‌شدند و به دادوستد کالا و پول می‌پرداختند. بعدها نام او به مکان‌هایی اطلاق شد که محل دادوستد کالا، پول و اسناد مالی و تجاری بوده است.^۲ نخستین مرکز بورس اوراق بهادار جهان، سال ۱۴۶۰ میلادی در شهر انورس کشور بلژیک تأسیس شد.^۳

نقش و جایگاه بورس در اقتصاد

بورس، بازار سازمان‌یافته‌ای است که برای دادوستد اوراق بهادار، (مانند اوراق قرضه، سهام، برگ‌های حق خرید یا حق فروش اوراق بهادار و کالاها) ایجاد شده است.^۴ بورس در اقتصاد کلان (اقتصاد مبتنی بر بازار) نقش مهمی را ایفا می‌کند. بازارها به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند که عبارتند از: بازار کالا و خدمات، بازار عوامل تولید و بازارهای مالی. در

۱. سرآبادانی، غلامرضا، نگرش اسلام به فعالیت بازار بورس اوراق بهادار، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، ۱۳۷۹ش.

۲. راعی، رضا و سعیدی، علی، مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، تهران، سمت، ۱۳۸۷ش، ص ۵۸.

۳. همان.

۴. جهان‌خانی، علی، پارسایان، علی، بورس اوراق بهادار، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ش، ص ۷۳.

بازار کالا و خدمات، کالاها و خدمات اعم از تولیدات اقتصادی و آنچه که وارد شده است، مبادله می‌شود. در بازار عوامل تولید، عواملی مانند نیروی کار، سرمایه فیزیکی و زمین توسط خانوارها به بنگاه‌های اقتصادی فروخته یا اجاره داده می‌شود و بهای آن به صورت مزد، اجاره و بهره از بنگاه‌ها دریافت می‌شود. این عواید، درآمد عوامل تولید نام دارد.^۱

کارکردهای بورس

از کارکردهای بورس می‌توان به تجهیز سرمایه، جمع‌آوری نقدینگی و کاهش تورم، کمک به عادلانه شدن توزیع درآمد و جلوگیری از فرار سرمایه‌ها اشاره کرد. گسترش بورس در کشورهایی که از نظر اقتصادی پیشرفته نیستند، سبب جلوگیری از فرار سرمایه به خارج از کشور می‌شود زیرا بسیاری از صاحبان سرمایه‌های کوچک، محل امنی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خود نمی‌یابند و یا ریسک‌گریز هستند.^۲

ابزارهای مشتقه در بورس

ابزارهای مالی مشتقه محصول نوآوری‌های متخصصان مالی می‌باشد. این نوآوری در پاسخ به نیازهای روزافزون تجارت است.^۳ ابزارهای مشتقه که جهت کنترل و کاهش ریسک طراحی شده‌اند، عبارتند از: اوراق بهادار یا ابزارهای مالی که ارزش آنها به ارزش دارایی پایه آن بستگی دارد.^۴ به این معنا که علت نامگذاری ابزارهای مشتقه آن است که ارزش آنها از

۱. معصومی نیا، بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۳۰.

۲. همان، صص ۳۳-۳۵.

۳. عصمت پاشا، عبیدالله؛ «فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه و دیدگاه‌های فقهی»، ترجمه علی صالح آبادی، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۹، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲ش، صص ۱۳۶-۱۳۰.

4. Hall, J., 1997, p.6.

قیمت دارایی پایه^۱ مشتق است. در واقع اوراق مشتقه، قراردادهایی هستند که براساس آن یک طرف قرارداد باید یک دارایی مالی را در زمان معینی در آینده به قیمتی از پیش تعیین شده مبادله کند. این ابزارها امکان کنترل خطر سپرده دارایی‌های مالی یا امکان مقابله با خطر انتشار آنها را فراهم می‌کنند. تغییرات قیمت هر یک از مشتقات، تابعی از تغییرات قیمت دارایی پایه آنهاست. مثلاً تغییر قیمت در قرارداد آتی نفت، تابع تغییر قیمت نفت خام است. پس ارزش ابزار مالی مشتقه، به ارزش دارایی‌های اساسی دیگری که پشتوانه آن است وابسته است.^۲

اتاق پایاپای بورس و نقش اساسی آن در بازارهای آتی

نهادی است با شخصیت حقوقی مستقل از سازمان بورس و تنظیم‌گر بازار دادوستد آتی کالا یا به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از آن که وظیفه ثبت، ارزیابی، تطبیق قیمت، تضمین اجرا تا لحظه سررسید و ایفای نقش طرف مقابل هر قرارداد خرید یا فروش را به‌عهده دارد و نقش اساسی آن ارتباط خریدار و فروشنده است یعنی این که اتاق پایاپای متعهد می‌شود که در سررسید، کالای ذکرشده در قرارداد را به خریدار (در صورت درخواست وی) تحویل دهد و از فروشنده (در صورت درخواست او) خریداری کند. اتاق، ریسک دو طرف را برعهده می‌گیرد و برای آنها اطمینان ایجاد می‌کند. این ایجاد اطمینان، خود ناشی از دو دلیل است: اول این‌که: اتاق پایاپای معمولاً ذخایر زیادی دارد و از تجربه کافی در مورد شرایط بازار برخوردار است؛ دوم: آتی‌های فروش‌رفته با خریداری‌شده برابر است.

1. Underlying Asset

۲. رضایی، مجید، «اوراق اختیار معامله در منظر فقه امامیه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۲۵،

۱۳۸۴، ص ۱۱۶.

قراردادهای آتی و انواع آن

استفاده از قرارداد آتی برای پوشش ریسک و خطر ناشی از تغییرات قیمت در آینده است. برای مثال یک باغدار سیب را در نظر بگیرید که انتظار دارد که در ۶ ماه دیگر ۲۰ تن سیب برداشت کند. با توجه به این که قیمت سیب در ۶ ماه آینده معلوم نیست و احتمال کاهش قیمت در آینده و در فصل برداشت سیب وجود دارد، بنابراین منطقی است که امروز تمایل به فروش سیب‌هایی داشته باشد. و در مقابل خریدار سیب نیز قصد دارد ۶ ماه بعد، همان مقدار سیب را برای تولید آبمیوه در انبار داشته باشد و روشن است که او نیز با ریسک تغییر قیمت و افزایش قیمت مواجه است. بنابراین تمایل به خرید سیب در تاریخ کنونی دارد. پس با توجه به این که ریسک در دو جهت کاملاً متضاد است، دو طرف یعنی خریدار و فروشنده را به پای میز مذاکره خواهد کشاند و در نتیجه توافق خواهند کرد که در آینده معامله را با قیمت توافقی انجام دهند. این جا بود که پای قرارداد آتی به میان آمد. به این شکل که طرفین توافق می‌کردند که در آینده معامله‌ای بر اساس مشخصاتی که اکنون تعیین می‌کنند انجام دهند.

به این صورت خریدار دیگر از جهت افزایش قیمت‌ها نگرانی نداشت؛ چون می‌توانست در سررسید قرارداد، کالا را با قیمت توافق شده بخرد و فروشنده نیز در مورد کاهش قیمت محصول خود نگرانی نداشت.^۱ منافع این قرارداد به هر دو طرف قرارداد می‌رسد. هر دو طرف قرارداد در نتیجه انعقاد قرارداد، همه ریسک قیمت را به کلی حذف می‌کنند؛ چون باغدار از هم اکنون می‌داند که ۲۰ تن سیب برداشت شده خود را ۶ ماه بعد به قیمت معلوم می‌فروشد؛ چه قیمت بازار ۶ ماه بعد افزایش پیدا کند و چه با کاهش روبرو شود. خریدار نیز ریسک قیمت را از بین می‌برد. او نیز تنها موظف به پرداخت قیمت موجود در قرارداد است؛ خواه قیمت فعلی در ۶ ماه آینده بالا رود، خواه پایین بیاید. به این ترتیب

۱. تدلافتن، قراردادهای آتی، ترجمه کارگزاری بانک صنعت و معدن، ص ۵.

ساده‌ترین ابزار مالی مشتقه، یعنی قراردادهای آتی خاص شکل گرفت. در این قرارداد، دو طرف تعهد می‌کنند که در آینده، در تاریخ معلوم، معامله‌ای را در قیمت مشخص شده در قرارداد، با هم انجام دهند. فروشنده در قرارداد تعهد می‌کند که دارایی اصلی موجود در قرارداد را در سررسید قرارداد تهیه کند و خریدار نیز متعهد می‌شود ثمن را تهیه کند و کالا را بخرد.^۱ اما این قراردادها با مشکلاتی نیز مواجه بودند. اشکالاتی نظیر یافتن یکدیگر برای انعقاد قرارداد. یا اینکه اگر یکی از طرفین قرارداد به دلیلی نمی‌توانست به تعهدات خود عمل کند، فروش قرارداد در بازار ثانویه به شخص ثالث امکان‌پذیر نبود. در واقع این ابزار، فاقد بازار ثانویه بود.^۲

قراردادهای آتی خاص (ویژگی‌ها و نارسایی‌ها)

در قراردادهای آتی خاص، در برخی موارد، معامله در زمان حال انجام می‌شود و پرداخت ثمن و مثن به آینده موکول می‌شود؛ اما در بسیاری موارد هیچ‌گونه معامله‌ای در زمان قرارداد انجام نمی‌شود، بلکه صرفاً بین طرفین، توافقی صورت می‌گیرد که در اثر آن به انجام معامله در آینده ملزم خواهند بود.^۳ دیگر اینکه: منافع قراردادهای آتی خاص به طرفین می‌رسد؛ زیرا ریسک قیمت را به کلی حذف می‌کنند. چرا که هر دو از انجام معامله در آینده با قیمتی خاص، مطمئن هستند.^۴ سوم: قراردادهای آتی خاص، غالباً در تاریخ سررسید با انجام معامله و تسلیم ثمن و مثن تسویه می‌شوند.^۵ چهارم: از دیگر خصوصیات این قراردادها این است که قیمت تحویل، مورد توافق طرفین است که در زمان انعقاد قرارداد،

۱. عصمت پاشا، «فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه و دیدگاه‌های فقهی»، ترجمه علی صالح آبادی، اقتصاد اسلامی، صص ۱۳۶-۱۳۰.

۲. همان.

۳. معصومی‌نیا، بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۱۷۹.

۴. همان.

۵. همان.

همان قیمت مورد انتظار است. این قیمت با گذشت زمان و با تغییر پیش‌بینی‌ها ممکن است تغییر کند، درحالی‌که قیمت تحویل ثابت است.^۱ پنجم: در این نوع قرارداد معمولاً ضمانت یا سپرده‌ای جهت حسن انجام تعهد از طرفین اخذ نمی‌شود، لذا همواره خطر نکول یکی از طرفین برای عمل به تعهد وجود دارد. تنها ضمانت، استفاده از اهرم قانونی برای برخورد با فرد متخلف است.^۲ از دیگر ویژگی‌های قراردادهای آتی خاص این است که این قراردادها عمدتاً رسمی نبوده و در بازار ثانویه قابلیت خرید و فروش ندارد.^۳ البته قسمتی از این معاملات به صورت رسمی و منظم و در بازارهای بورس و تحت نظارت ناظران صورت می‌گیرد.^۴

نارسایی‌های قراردادهای آتی خاص

اول این‌که: هریک از دو طرف قرارداد باید طرف مقابل خود را بیابد و با او قرارداد منعقد کند. به عبارت دیگر بازار سازمان‌یافته‌ای برای انعقاد قرارداد وجود ندارد.^۵ دوم: نبود بازار ثانویه در صورت نکول یکی از طرفین از انجام تعهد از دیگر مشکلات این قراردادها است. بنابراین خاصیت نقدشوندگی آنها کم است.^۶ سوم: در این قراردادها خطر نکول و عدم اجرای قرارداد وجود دارد. زمانی که قیمت‌های کنونی بالا می‌رود، به نفع فروشنده است که قرارداد را اجرا نکند؛ زیرا می‌تواند محصول خود را در بازار به قیمت بالاتری بفروشد و اگر

۱. معصومی‌نیا، بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۱۸۰.

۲. مرادی، مهدی، «اوراق اختیار معامله، قراردادهای تحویل آتی و قراردادهای اسلامی مشابه با آنها»، دانش و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲۱، ۱۳۸۶ش، ص ۲۰۷.

۳. همان.

۴. معصومی‌نیا، بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۱۸۱.

۵. عصمت‌پاشا، «فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه و دیدگاه‌های فقهی»، ترجمه علی صالح آبادی، اقتصاد اسلامی، ص ۱۳۲.

۶. همان.

قیمت پایین بیاید، به نفع خریدار است که قرارداد را اجرا نکند؛ زیرا می‌تواند کالای مورد نظر را با قیمت کمتری در بازار بخرد. بدین توضیح که تغییر قیمت‌ها در فاصله انعقاد قرارداد تا زمان سررسید، قاعدتاً به سود یکی از طرفین و زیان دیگری است. در نتیجه طرف قرارداد، تضمینی جز اعتبار طرف مقابل خود ندارد و در صورت امتناع طرف مقابل، با یک دعوای حقوقی صرف مواجه می‌شود. چنین ریسکی را در مدیریت مالی، ریسک اعتباری^۱ می‌گویند.^۲ وجود چنین مشکلاتی سبب شد تا متخصصان بازارهای مالی، ابزار جدیدی ابداع کنند که فاقد این اشکالات باشد. این ابزار جدید همان قراردادهای آتی استاندارد است که قسمت عمده‌ای از بازار سرمایه را به خود اختصاص داده است.

قراردادهای آتی استاندارد

این قرارداد، همان قرارداد آتی خاص می‌باشد که استاندارد شده است. بدین معنا که اندازه قرارداد یعنی مقدار قرارداد، تاریخ سررسید، کیفیت و مکان تحویل و غیره در آن برای هر کالا به صورت استاندارد است. با این استانداردسازی از یک طرف مشکل معامله‌گران برای پیدا کردن طرف معامله حل می‌شود و از طرف دیگر استاندارد بودن این قراردادها سبب شده خرید و فروش و مبادله این قراردادها در بازار ثانویه به راحتی امکان‌پذیر باشد،^۳ زیرا آنها هرگاه اراده کنند می‌توانند برگه‌ی قرارداد خود را به پول نقد تبدیل کنند. پس می‌توان اذعان کرد که قدرت نقدشوندگی این قراردادها نیز بسیار بالاتر از قراردادهای آتی خاص می‌باشد.^۴ از ویژگی‌های قراردادهای آتی استاندارد به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

1. Credit Risk

۲. عصمت‌پاشا، «فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه و دیدگاه‌های فقهی»، ترجمه علی صالح آبادی، اقتصاد اسلامی، ص ۱۳۲.

۳. همان.

۴. مرادی، «اوراق اختیار معامله، قراردادهای تحویل آتی و قراردادهای اسلامی مشابه با آنها»، دانش و توسعه، ص ۲۰۸.

۱. با استاندارد کردن، یعنی معین کردن تمام خصوصیات قرارداد به جز قیمت، که با توافق طرفین انجام می‌شود، اعم از تاریخ سررسید، کیفیت و مکان تحویل، مقدار و سایر خصوصیات برای هر نوع دارایی به‌طور یکسان و مشابه منتشر می‌شود. مثلاً در بورس بین‌المللی نفت در لندن^۱ یک قرارداد به معنی هزار بشکه نفت خام از نوع برنت صادراتی است. تاریخ تحویل عبارت است از دوازده ماه متوالی. ۲. استاندارد بودن این قرارداد سبب شده تا خرید و فروش آنها در بازار ثانویه به راحتی امکان‌پذیر باشد. یعنی دیگر لازم نیست از همان اول خریدار و فروشنده نهایی یکدیگر را بیابند. بلکه هر زمان اراده کنند می‌توانند برگه‌ی قرارداد خود را به پول نقد تبدیل کنند. به همین دلیل خاصیت نقدشوندگی^۲ این اوراق بالاست. ۳. یک سپرده اولیه به‌عنوان التزام از جانب خریدار و فروشنده به کارگزار پرداخت می‌شود، که در صورت نکول هر یک، به‌عنوان جبران ضرر وارده به طرف مقابل پرداخت می‌شود.^۳ بنابراین مشکل سوم قراردادهای آتی خاص نیز با این ویژگی حل می‌شود.

قراردادهای آتی شاخص سهام^۴ یا «شاخص قیمت سهام»

در بسیاری از بورس‌های اوراق بهادار، سهام شاخص، با عنوان «شاخص متوسط قیمت سهام» محاسبه می‌شود. هدف از محاسبه این شاخص آگاهی از روند کلی سهام و اطلاع از وضعیت عمومی بازار اقتصاد می‌باشد. شاخص‌های سهام طراحی می‌شوند تا حرکت قیمت سهام در بازار را به‌صورت کلی نشان دهند. این شاخص‌ها برای کل بازار یا بخش مهم طراحی می‌شوند. اگر این شاخص مثبت باشد، نشان دهنده حرکت کلی مثبت بازار است. اما اگر منفی باشد، نشان می‌دهد که حرکت کلی بازار منفی است. با اندازه‌گیری شاخص قیمت سهام می‌توان نرخ بازده بازار سهام را با سایر بازارها مثل بازار پول مقایسه

1. IPE

2. liquidity

۳. معصومی‌نیا، بررسی فقهی و اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۱۸۴.

4. Share Index

کرد و فرصت‌های بهتر سرمایه‌گذاری را تشخیص داد. روش محاسبه شاخص متوسط سهام به این شکل است که آخرین معامله‌ای که در روز معین روی یک سهام انجام گرفته است را برای تعدادی از شرکت‌های عمده در نظر می‌گیرند و قیمت آنها را جمع کرده، بر تعداد آنها تقسیم می‌کنند. قراردادهای آتی شاخص سهام را باید نوع خاصی از قراردادهای آتی دانست. شاخص سهام که نشان دهنده میانگین تغییرات (افزایش یا کاهش) سهام منتخب و معینی است و نشان‌دهنده وضع بازار سهام می‌باشد؛^۱ دارایی پشتوانه این نوع از قراردادهای آتی می‌باشد. معامله‌گران، وضعیت آینده بازار را پیش‌بینی کرده و براساس آن، وضعیت آینده شاخص سهام را تخمین می‌زنند و به مبادله قراردادهای آتی شاخص سهام اقدام می‌کنند. بنابراین شاخص سهام که امری کاملاً ذهنی است و هیچ‌گونه واقعیت عینی خارجی ندارد، مورد معامله واقع می‌شود و قراردادهای آتی روی آن منعقد می‌شود.^۲

قراردادهای آتی مبتنی بر کالا و مبتنی بر اوراق بهادار

ماده یک قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران در بند یازده، بازار مشتقه را این‌طور تعریف کرده است: «بازاری است که در آن قراردادهای آتی و اختیار معامله مبتنی بر اوراق بهادار یا کالا دادوستد می‌شود». چنانچه گذشت، ارزش ابزارهای مشتقه به دارایی پایه آنها بستگی دارد. دارایی‌هایی که پشتوانه قرارداد آتی هستند دو گونه‌اند: دارایی‌های فیزیکی و مشهود که معمولاً مستهلک نمی‌شوند مانند زمین، ساختمان، اتومبیل، ماشین‌آلات، محصولات کشاورزی و هرنوع دارایی ثابت که بتوان آن را با چشم دید و با دست لمس کرد.^۳ دیگری دارایی‌های غیرفیزیکی و غیرمشهود مانند سرفقلى، حق تألیف،

۱. گلریز، حسن، بورس اوراق بهادار، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۴ش، ص ۴۰۰.

۲. معصومی‌نیا، بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۲۱۵.

۳. همان، ص ۳۰.

انواع امتیازها و اوراق سهام و قرضه.^۱ دارایی‌های مالی از قسم دوم می‌باشند. اگر پشتوانه قرارداد آتی دسته اول از اموال باشد، قرارداد آتی مبتنی بر کالا (کالایی) و اگر پایه قرارداد آتی، دارایی‌های مالی باشد مثل اوراق سهام، اوراق قرضه و اسناد خزانه، قرارداد آتی مبتنی بر اوراق بهادار (مالی یا ارزی) خواهد بود.^۲ پس قراردادهای آتی کالایی، عبارت است از قراردادهایی که دارایی پشتوانه آنها کالاهای فیزیکی و مشهود است^۳ و قراردادهای آتی مالی (ارزی)، قراردادهایی هستند که دارایی پشتوانه آنها، دارایی‌های مالی است که فیزیکی و قابل لمس نیستند.

سیر تطور قراردادهای آتی در فقه و حقوق

سابقه قراردادهای آتی در فقه

قرارداد آتی پس از شکل‌گیری نهاد بورس برحسب اقتضای نیاز جامعه در روابط اقتصادی و تجاری به وجود آمده است. در نتیجه عین مسأله و این مصداق خاص در فقه مطرح نشده است. البته در فقه مسایل مشابه آن وجود دارد که کالا هنگام انعقاد عقد وجود ندارد و در آینده تولید می‌شود. پس حکم مسأله در فقه بی‌جواب نیست. پس هدف از طرح پیشینه قرارداد آتی در فقه، جست‌وجو برای یافتن نهادهایی است که به جهاتی با آن شباهت داشته باشند. بیان شد که در فقه عقدی تحت عنوان قرارداد آتی یا فروش مال در آینده صراحتاً مطرح نشده است. اما فقها شرایط عمومی مورد معامله را بیان کرده‌اند که در تمام موارد می‌توان اعمال کرد. پس صحت هر معامله‌ای، منوط به وجود این شرایط و ویژگی‌ها بوده و عدم وجود این شرایط موجب بطلان آن می‌شود.^۴

۱. گلریز، بورس اوراق بهادار، ص ۲۲۸.

۲. همان، ص ۲۱۴.

۳. معصومی‌نیا، بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۲۱۴.

۴. انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، کتاب البیع، قم، مجمع فکر اسلامی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۹.

یکی از این شرایط، وجود مورد معامله هنگام عقد است. البته این شرط در جایی است که مبیع، عین معین باشد نه کلی فی الذمه؛ زیرا که کلی، مفهومی ذهنی است و نمی‌تواند در خارج وجود داشته باشد. اما معامله آن صحیح است، اگرچه مصادیق آن در هنگام انعقاد عقد وجود نداشته باشد و در آینده به وجود آید، مثل فروش یک تن گندم، که بعد از موجود شدن، فروشنده موظف است فردی از افراد آن کلی را به خریدار تسلیم کند. حتی از بین رفتن تمام گندم‌های موجود در انبار هم عقد را باطل نخواهد کرد؛ چون در این مورد، فروشنده معادل یک تن گندم به خریدار، بدهکار است و می‌تواند موضوع دین را تهیه و تسلیم نماید.^۱ اما در مواردی که مبیع، عین معین یا در حکم آن باشد، در هنگام عقد باید موجود باشد. به همین جهت خرید و فروش مال معین که وجود خارجی ندارد باطل است. از نظر فقها عقد در این مورد تملیکی است و باید مبیع موجود باشد تا بتواند منتقل شود.

پس آنچه در فقه بحث می‌شود این است که هرگاه مبیع عین معین باشد، باید در هنگام عقد موجود باشد تا تملیک ممکن شود، چرا که حق قائم به معدوم نمی‌شود و تراضی در مورد مالی که وجود خارجی ندارد صحیح نیست. چون بنابر فرض، حتی وجود ندارد تا موضوع تراضی واقع شود و به واسطه آن انتقال صورت پذیرد. مشهور فقها نیز تعلیق در تملیک را نمی‌پذیرند و براین باورند که تملیک باید منجز باشد و در زمان عقد صورت گیرد. اما در مقابل عدّه‌ای از فقها می‌گویند: «بیع، انتقال فعلی ملک از مالک به دیگری است، چه مالک فعلاً مالک باشد و چه در آینده. مثلاً هرگاه گندمی الان وجود ندارد و شخصی بگوید: یک تن گندم را به تو فروختم؛ بدین معناست که گندمی را که در آینده مالک آن می‌شوم، به تو انتقال می‌دهم، یعنی انتقال فعلی است؛ اما ملک فعلی نیست، بلکه معلق به وجود است».^۲ براساس این قول، باید بین انتقال و تملیک تفاوت قائل شد، به عبارت دیگر،

۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۲۲، ص ۲۸۲.

۲. نراقی، مولی احمد، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق،

تملیک می‌تواند به صورت معلق صورت پذیرد اما ملک به مجرد عقد بیع صورت می‌گیرد و نمی‌تواند معلق باشد. اما سوالی که پیش می‌آید این است که معامله کالایی که قرار است در آینده به وجود آید از مصادیق معامله عین معین است که باید در زمان عقد موجود باشد و به دلیل فقدان آن در این هنگام، معامله آن باطل است، یا مسأله صورت دیگری دارد؟ فقدان مورد معامله وقتی که عین معین باشد، دو صورت دارد: یکی این که قبل از انعقاد عقد وجود داشته اما در زمان عقد از میان رفته باشد و دیگر آن که در زمان عقد هنوز به وجود نیامده باشد و مالی که قرار است در آینده به وجود آید فروخته شود. در فقه بیعی که در آن، مبیع هنگام انعقاد عقد، وجود خارجی ندارد تحت عنوان بیع معدوم بحث می‌شود. فقها از مسأله بیع معدوم، یک فرض را استثنا کرده و نام آن را بیع معدوم به تبع موجود قرارداده‌اند؛ مانند زمانی که باغبانی چای موجود بر بوته‌های چای یک باغ را به ضمیمه پنج چین دیگر از چای آن باغ، یکجا بفروشد، چین‌هایی که هنوز به دست نیامده و معدوم می‌باشند و بعداً به وجود می‌آیند، به ضمیمه چای موجود بر بوته‌ها یکجا فروخته می‌شود.^۱ از موارد دیگری که می‌توان با فروش مالی که در آینده به وجود خواهد آمد مطابقت داد، بیع اثمار (سردرختی) می‌باشد. بحثی که در آن‌جا مطرح می‌شود این است که فروش میوه از چه زمانی صحیح می‌باشد؟ به نظر مشهور فقها، بیع میوه قبل از ظهور و آشکار شدن آن صحیح نیست، مخصوصاً اگر برای یک سال باشد و به کالای دیگری که موجود است ضمیمه نشود. دلیلی که برای صحت نظرشان آورده شده است این است که در این زمان، عرفاً عنوان میوه بر مورد معامله صدق نمی‌کند. پس به دلیل این که مبیع هنگام عقد موجود نیست، بیع باطل است و تفاوتی بین معامله خرما و دیگر میوه‌ها وجود ندارد.^۲ در مقابل مشهور، بعضی از فقها در مورد این مسأله اظهار داشته‌اند که اگر مورد معامله، میوه یک سال باشد بیع باطل است، اما

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایرة المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، مشعل آزادی، ۱۳۳۸ش، ج ۱، ص ۶۰۹.

۲. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، المبسوط، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۱۳.

اگر میوه بیش از یک سال باشد، بیع صحیح خواهد بود. دلیل آنان احادیثی است که مضمون آنها این است که در این گونه معاملات، اگر یک سال میوه نباشد، سال دیگر جبران می‌شود.^۱

مبحث دیگری که در فقه مطرح شده و نزدیکی خاصی با قرارداد آتی دارد، معامله مالی است که در آینده به وجود می‌آید و به صورت کلی فی الذمه است، که بیع سلف نامیده می‌شود. وقتی که ثمن، به صورت نقد باشد، تعهد به تسلیم مبیع می‌تواند مؤجل باشد. در این صورت اگر مبیع کلی و در ذمه باشد، به آن سلم یا سلف گویند. مثل این که فروشنده متعهد شود ده تن گندم از نوع مشخص تهیه نماید و در سال آینده به خریدار تحویل دهد. بنابراین بیع سلف جایی است که مبیع کلی در ذمه باشد، نه عین معین و از جمله شرایط اختصاصی صحت آن که تقریباً اکثر فقهای متأخر به آن اشاره کرده‌اند، این است که ثمن باید به صورت نقد و قبل از جدا شدن طرفین معامله پرداخت شود.^۲ در مقابل برخی از بزرگان فقه پرداخت ثمن قبل از تفرق را فقط شرط لزوم بیع سلف می‌دانند نه شرط صحت آن.^۳ از طرفی در بیع سلف باید تاریخ و مکان تحویل مبیع و خصوصیات کمی و کیفی آن به صورت مبسوط و واضح در حین عقد مشخص شود؛ در غیر این صورت سلف باطل خواهد بود.^۴ چنانچه قرارداد تعهد بر بیع (قراردادهای آتی خاص) را به عنوان منشأ و شکل ابتدایی قراردادهای آتی در نظر بگیریم، می‌توان قراردادهای تعهد بر بیع را با نهادهایی چون بیع سلم یا سلف، بیع کالی به کالی، بیع عربون، جعاله و استصناع مقایسه کرد و به وجود اشتراک و افتراق آنها پرداخت. شباهت‌های موجود میان قالب‌های فوق با قراردادهای آتی

۱. رملی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴، ص ۱۳۵.

۲. مکی عاملی، شمس‌الدین محمد (شهید اول)، دروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۴۱۰.

۳. حلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۴۱۰.

۴. حلی، علامه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲.

باعث شده است که محققان مسلمان برای تطبیق قراردادهای آتی با موازین فقهی از این قالب‌ها استفاده کنند. البته تلاش شده است تا قراردادهای آتی را در قالب شرط ابتدایی و صلح نیز توجیه کنند.^۱ در مقام مقایسه قراردادهای آتی با قالب‌های فقهی، بیشترین توجه محققان مسلمان به بیع سلف و کالی به کالی بوده است و اغلب تلاش کرده‌اند قراردادهای آتی را در این قالب‌ها توجیه کنند. فلسفه معاملات سلف، حمایت از کشاورزان در برابر تغییرات قیمت بوده است که در چهارده قرن پیش در نظام حقوقی اسلام پیش‌بین شده بود که همین فلسفه در قراردادهای آتی نیز وجود دارد. معاملات سلف هدف دیگری را نیز تأمین می‌کرد و آن تأمین نقدینگی مورد نیاز کشاورزان بوده، که این هدف در قراردادهای آتی به لحاظ ردوبدل نشدن پول، برآورده نمی‌شود. همان‌طور که گفته شد، قرارداد دیگری که با عنوان عقد استصناع یا قرارداد سفارش ساخت در فقه مطرح شده است، از جمله قراردادهایی است که با قراردادهای آتی قابل مقایسه می‌باشد. این قرارداد به این معنا است که کسی نزد صنعتگری برود و از او بخواهد که تعدادی از کالاهایی که می‌سازد، به ملکیت او درآورد.

در قرارداد استصناع ثمن و مبیع هر دو مؤجل هستند و پرداخت ثمن و تسلیم مبیع، هر دو در آینده صورت می‌گیرد. بعضی از فقها این نوع قرارداد را صحیح نمی‌دانند، به این دلیل که کالای مورد سفارش، معدوم است و فروش معدوم جایز نیست؛ چرا که پیامبر اکرم (ص) از فروش آنچه نزد انسان نیست، نهی کرده‌اند. در مقابل برخی فقهای دیگر^۲ بر صحت استصناع عقیده دارند و طرفین را به انجام تعهدات خویش ملزم می‌دانند. مصادیقی که فقها به عنوان موارد سفارش ساخت از آن بحث می‌کنند، مربوط به کالاهایی است که کلی هستند نه عین معین مثل سفارش ساخت چکمه، کفش و ظروفی که از چوب، سرب و آهن ساخته می‌شود. نهاد دیگری که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، بیع عربون است. در

۱. رضایی، «اوراق اختیار معامله در منظر فقه امامیه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۲۵، ص ۴۳.

۲. رحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۶۳۴.

بیع عربون با تأدیه پیش پرداخت در مورد یک کالا، نسبت به خرید آن در آینده توافق می‌شود. فقها در خصوص این مسایل بحث کرده‌اند و در مورد صحت و بطلان هر یک اظهار نظر کرده‌اند. از مطالب فوق مشخص می‌شود که بیشترین بحثی که می‌توان به نحوی آن را با قراردادهای آتی مرتبط دانست، به وجود مبیع در هنگام عقد باز می‌گردد؛ این که آیا در بیع عین معین، مبیع باید در حین عقد وجود خارجی و عینی داشته باشد؛ یا می‌توان موجود بودن را به شکل وجود اعتباری در نظر گرفت و وقتی عین معینی که در زمان انعقاد عقد، وجود خارجی ندارد ولی بعد از انعقاد عقد و در موعد معینی به وجود خواهد آمد (که عرف و بنای عقلاء بر وجود آن در آینده یقین دارند)، عقد صحیح خواهد بود یا خیر.

سابقه قرارداد آتی در حقوق

بررسی قوانین موضوعه ایران: پیش از آن که در محافل قانونی ایران قرارداد آتی مورد بحث واقع شود، در عرف و بازار معاملات محصولات کشاورزی، ارز و طلا با عنوان معاملات تحویل آتی مطرح شده است. بعد از جنگ جهانی دوم، در برخی از شهرهای ایران مانند مشهد، اصفهان و تبریز خرید و فروش کاذب محصولات، بدون این که وجود خارجی داشته باشند، مرسوم بوده است. هم‌چنین در شهرهایی مانند ترکمن صحرا، مراکزی با نام برج ایجاد شده بود که افراد گرد هم می‌آمدند و به محض آگاهی از این که قرار است تاجری از انگلیس مثلاً ۱۰۰۰ تن شکر وارد کند، حواله‌های صد تنی را معامله می‌کردند. بازارهای غیر رسمی طلای ذوب شده و سکه در اصفهان نیز از جمله بازارهایی به شمار می‌رفت که قراردادهایی شبیه به قراردادهای آتی در آن رایج بود. هم‌چنین بازارهای زعفران کاشمر و زیره سبزوار از جمله بازارهایی هستند که به نوعی از ابزارهایی شبیه به قراردادهای آتی استفاده می‌کنند. لذا در عرف، معاملات شبیه قراردادهای آتی می‌توان دید که در عدم وجود کالا در زمان معامله و تحویل در آینده مشترک می‌باشند.^۱ در قوانین موضوعه کشور، قبل از دهه ۸۰

۱. طاهری، محمد، «قرارداد آتی دیروز تا امروز»، روزنامه شرق، ۱۱ بهمن ۱۳۸۲ ش، ص ۱۴.

نامی از قرارداد آتی به چشم نمی‌خورد. قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵/۰۲/۲۷ نیز به این ابزار مالی اشاره نکرده است. برای نخستین بار آیین‌نامه معاملات بورس فلزات تهران به قراردادهای آتی اشاره کرد.

بررسی نظرات حقوقی: حقوقدانان قراردادهایی را که موضوع آن تعهد بر عقد باشد، مثل تعهد به عقد بیع پذیرفته‌اند و با عنوان وعده‌ی متقابل بیع^۱ و یا قرارداد تشکیل بیع^۲ به تبیین آن پرداخته‌اند. با این حال هیچ‌یک از حقوقدانان در قالب یک بحث مستقل اقدام به بررسی قراردادهای آتی نکرده‌اند. در نوشته‌های حقوقی مباحثی وجود دارد که تنها اشاره مختصری به قراردادهای آتی کرده است. به‌طور مثال برخی از حقوقدانان از نهادی به‌نام «بیع آیندان» سخن گفته‌اند و معتقدند بیع مزبور بیعی است که مبیع در آن در تاریخ وقوع عقد وجود ندارد ولی با بیع تعهد می‌کند که بعداً آن را فراهم کرده و سر موعد تحویل دهد. ایشان ضمن قابل تأمل دانستن شمول عنوان بیع ما لیس عندک در مورد یاد شده، حاکمیت اراده را پذیرفته‌اند.^۳ هم‌چنین در بحث اقسام بیع، بیع بورسی را مطرح و آن را این‌طور تعریف کرده است: «از نوع بیع عمده یا غایب و بیع مؤجل است که الزاماً با دخالت واسطه (کارگزار بورسی) صورت می‌گیرد. این وسایط از دستوردهندگان (ارباب رجوع) خود وثیقه‌ای می‌گیرند تا اگر بیع بورسی صورت دهند و به مسؤولیت خود اجرا کنند با ورشکستگی دستوردهندگان روبه‌رو نشوند.»

ویژگی‌ها و شرایط قراردادهای آتی، ویژگی‌ها

دارایی موضوع قرارداد لازم نیست فعلاً وجود داشته و یا اکنون در مالکیت فروشنده باشد؛ انجام معامله در بورس؛ استاندارد بودن قرارداد آتی. و اما شرایط: قرارداد آتی برای کمیت

۱. کاتوزیان، ناصر، عقود معین، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۵۶.

۲. شهیدی، مهدی، قرارداد تشکیل بیع، تهران، مجموعه مقالات حقوقی، نشر مجد، ۱۳۸۵ش.

۳. جعفری لنگرودی، ج ۲، ص ۹۲۵.

خاصی از یک کالا منعقد می‌شود؛ قرارداد آتی برای کیفیت خاصی از یک کالا منعقد می‌شود؛ تاریخ انقضاء و محل تحویل کالا از قبل مشخص می‌شود؛ تغییرات روزانه قیمت استاندارد شده است.

مزایا و معایب و اوصاف قراردادهای آتی

مزایای قراردادهای آتی

پوشش و کاهش ریسک؛ اهرم مالی؛ هزینه اندک معاملات؛ استاندارد شدن قراردادها؛ شفافیت قیمت.

معایب قراردادهای آتی

این ابزارها باگذشت زمان به صورت بسیار پیچیده‌ای درآمد دارند به گونه‌ای که محاسبه و تحلیل آنها کار بسیار مشکل و زمان‌بری است؛ گرچه این ابزارها در ابتدا برای حذف ریسک قیمت ابداع شدند، اما در طول زمان، سفته‌بازی به پدیده‌ی غالب تبدیل شد تا آنجا که امروزه بیش از ۹۵ درصد معاملات با این انگیزه انجام می‌شود؛ از دیگر معایب قراردادهای آتی، ایجاد اثر روانی بر روی قیمت‌های واقعی است.

اوصاف قراردادهای آتی

با وجود تنوعی که در عقود معین و به طریق اولی در عقود غیرمعین در فقه و قانون وجود دارد، هر کدام از این عقود، دارای اوصافی هستند که آن را از دیگری متمایز می‌کند. به طور مثال جایز بودن عقد، یکی از اوصافی است که در مقابل اصل لزوم بوده و موجب شناخته شدن بعضی عقود از دیگری می‌شود. یا مثلاً برخی از عقود به تشریفات خاصی نیاز دارند در حالی که بعضی دیگر، تشریفات خاصی ندارند.

الف. لازم بودن قراردادهای آتی: لزوم و جواز قرارداد دو وصفی هستند که بنابر نوع

قرارداد به آن تعلق می‌گیرند و موجب می‌شوند مدت دوام و عمر قرارداد افزایش یا کاهش یابد. چرا که اگر عقدی لازم باشد، غیرقابل فسخ به وسیله طرفین است و فقط با انجام مورد قرارداد یا موارد دیگری که در ماده ۲۶۴ قانون مدنی به عنوان سقوط تعهد آمده است، امکان خاتمه آن وجود دارد. ولی در قراردادهای جایز، هریک از طرفین حق فسخ دارند و اگر به هر دلیلی مایل به ادامه تعهد نباشند با استفاده از حق فسخ خود، آن را پایان می‌دهند. ماده ۱۸۵ قانون مدنی می‌گوید: «عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین معامله، حق فسخ آن را نداشته باشد مگر در موارد معینه». رابطه‌ای که در اثر عقد لازم پدید می‌آید، به صورتی است که هیچ یک از طرفین، بدون رضایت طرف مقابل نمی‌تواند آن را به هم بزند. یعنی طرفین قرارداد باید به آن چه در عقد به آن تصریح کرده‌اند، ملتزم باشند، مگر در موارد معینی که طبق قانون در اثر یکی از اختیارات، حق فسخ وجود داشته باشد و یا در صورتی که طرفین توافق کنند که قرارداد را اقاله نمایند.^۱

ب. عهدی بودن قراردادهای آتی: عقود از نظر موضوع عقد و اثری که به تبع عقد، ایجاد می‌شود به دو نوع عهدی و تملیکی تقسیم می‌شوند. در برخی عقود مانند بیع و هبه، که اثر مستقیم آن انتقال مالکیت است، به محض انعقاد، موضوع عقد به ملکیت طرف عقد درآمده و انتقال می‌یابد؛ ولی در برخی دیگر نتیجه قرارداد، ایجاد، انتقال یا سقوط تعهد است و با انعقاد عقد، تعهد به انجام موضوع معامله می‌شود؛ مانند عقد وکالت و ضمانت،^۲ البته برخی عقود نیز مانند وصیت، خود به دو نوع عهدی و تملیکی تقسیم می‌شوند و هر قسم، طبیعت حقوقی مخصوصی را دارا می‌باشند و دو عنوان مختلف می‌گیرند.^۳ پس در عقود تملیکی به محض انعقاد عقد، مالکیت موضوع معامله، منتقل می‌شود، ولی در عقود عهدی این تعهد برای انجام موضوع معامله است که بر ذمه متعهد باقی می‌ماند تا موضوع

۱. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۷۱.

۲. کاتوزیان، عقود معین، صص ۷۵ و ۷۶.

۳. امامی، حقوق مدنی، ج ۳، ص ۶۴.

معامله به انجام برسد.

ج. تشریفاتى بودن قراردادهای آتی: هر عقدی که براساس اراده طرفینی به وجود می‌آید، باید رضای هر دو طرف معامله را نیز داشته باشد والا عقد از جانب فرد مکروه، غیرنافذ و برخی اوقات باطل است. استقرا در شرایط صحت عقود معین نشان می‌دهد که جز در موارد نادر، در هیچ‌یک از عقود، تشریفات خاصی برای شرایط عمومی اضافه نشده است. پس اصل این است که عقد با تراضی واقعی می‌شود و نیاز به هیچ شکل خاصی ندارد. این گروه از عقود را به اعتبار کافی بودن رضای دو طرف در وقوع آنها، «عقود رضایی» می‌گویند.^۱

بررسی فقهی قراردادهای آتی

در دیدگاه فقه اسلامی برای بررسی یک معامله یا یک نوع عقد شرعی جدید براساس اصاله الصّحه و عمومات موجود مبنی بر صحیح بودن عقود به صورت ابتدایی اصل بر صحت معامله است. مگر آن‌که خلاف آن ثابت شود. خلاف این موضوع زمانی اثبات می‌گردد که معامله مورد نظر ضوابط اسلامی را زیرپا بگذارد و از خطوط قرمز اسلامی عبور کند. بنابراین برای بررسی صحت یک معامله باید به ضوابط معاملات اسلامی توجه کرد تا بتوان شرعی یا غیرشرعی بودن آن را تشخیص داد. در زیر، ضوابط کلی معاملات از دیدگاه اسلام و بررسی مطابقت قرارداد آتی با آنها می‌آید:

ضوابط کلی معاملات در اسلام

ممنوعیت اکل مال به باطل: بنابر ظاهر آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا لا تأكلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراضٍ منکم» (نساء/۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموالتان را در میان خودتان به ناحق مخورید مگر این‌که دادوستدی با رضایت

۱. کاتوزیان، عقود معین، ص ۸۸.

(طرفین) شما [انجام گرفته] باشد. تصرف در اموال مردم به وجه باطل ممنوع است. بنابراین هر نوع تجاوز، تقلب، غش، دزدی، رشوه، اخذ به زور و امثال آنها (که از نظر عرف و عقل، گرفتن مال از طریق آنها بلاوجه و باطل باشد) و هر نوع معامله (خرید و فروش، اجاره، صلح) بر اشیایی که منفعت عقلایی ندارند، معاملات بر ذمه‌ای که عقلاً توان پرداخت آنها وجود ندارد، از نظر اسلام همگی اکل مال به باطل و حرام می‌باشند. در مقابل تصرف در مال دیگران با تجارت از روی تراضی، صحیح و حلال می‌باشد. طبق این قانون تمام معاملات مالی و انواع تجارت‌ها که در میان مردم رایج است؛ چنانچه از روی رضایت صورت گیرد، از نظر اسلام صحیح است.^۱ در مورد قراردادهای آتی نیز با توجه به این آیه عده‌ای انجام معاملات آتی را مصداق اکل مال به باطل دانسته و آن را حرام می‌دانند، زیرا یکی از دو طرف سودی را بدون جهت مشروع بیش از استحقاق خود مالک می‌گردد. اما در مقابل دیدگاه دیگری وجود دارد که معتقد است در صورتی که بازار حالتی عادی داشته باشد و روال قانونی خود را طی کند، قراردادهای آتی مصداق اکل مال به باطل نخواهند بود. مبنای استدلال این افراد این است که اگر وضعیت بازار عادی باشد و تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان براساس ضرورت‌های عقلایی از این قراردادها استفاده کنند، سودی که نصیب هریک خواهد شد، از نظر عقلاً امری کاملاً مشروع و قانونی است و دلیلی ندارد که آن را که اکل مال به باطل بدانیم.^۲

ممنوعیت ربا: حرمت ربا تحقیقاً به استناد آیات قرآن کریم، روایات و اجماع فقها ثابت شده است و بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات دین باشد.^۳ بنابراین معامله‌ای که در آن ربا وجود داشته باشد باطل و مورد نهی خداوند تعالی و پیامبر است. ربا

۱. موسویان، سیدعباس، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش، ص ۴۰.

۲. معصومی‌نیا، بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۲۴۰.

۳. موسوی خمینی، روح‌الله، کتاب البیع، قم، مطبعه مهر، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۳۲.

بر دو قسم است؛ ربای معاملی و ربای قرضی. ربای معاملی آن است که یکی از دو چیز مثل هم با زیاده عینی به مثل دیگر فروخته شود (مانند فروختن یک کیلو گندم به دو کیلو گرم آن)^۱ و اما ربای قرضی، آن مقدار اضافه‌ای است که طلبکار در هنگام قرض دادن با بدهکار شرط کند که علاوه بر مقدار اصلی قرض، به طلبکار بپردازد. با توجه به ماهیت قرارداد آتی، این‌گونه قراردادها چون زیادتی در آنها رد و بدل نمی‌شود، مصداق ربای معاملی نخواهند بود. هم‌چنین چون قرضی به ظاهر در آنها رخ نمی‌دهد از دایره ربای قرضی نیز خارج می‌شوند. تنها ایرادی که در حوزه ربای قرضی بر قراردادهای آتی وارد می‌شود، در مورد ممنوعیت بیع دین به دین است که در بخش‌های بعد به آن اشاره خواهد شد، اما به‌طور خلاصه نظر خاصی درباره داخل شدن قرارداد آتی در عنوان ربا، مگر در بحث بیع دین به دین وجود ندارد و اندیشمندان اسلامی درباره آن اظهار نظر نکرده‌اند.

ممنوعیت غرر: با توجه به نهی صریح پیامبر اکرم (ص) از غرر و معاملات غرری، هر معامله‌ای که در آن غرر وجود داشته باشد، شرعی نبوده و باطل است.^۲ مقصود از غرر در معاملات این است که برخی خصوصیات و جزئیات معامله برای طرفین معامله مجهول باشد و این جهالت سبب فریب خوردن و یا هر عامل دیگری که موجب متضرر شدن یکی از دو طرف می‌گردد، شود. در این صورت معامله باطل خواهد بود. یکی از مصادیق غرر در معاملات، مشخص نبودن مقدار و کیفیت عوضین است. در زمینه معاملات آتی نیز برخی براین عقیده‌اند که قرارداد آتی مطابق با آنچه که در بورس‌ها اتفاق می‌افتد به‌نحوی است که معامله‌کنندگان از جهل طرف مقابل استفاده کرده و سود زیادی کسب می‌کنند. در نتیجه بنابر نظر این افراد، قرارداد آتی مصداق معامله غرری است.^۳ برای بررسی معاملات آتی از این حیث باید به دو نکته توجه کرد: اول در مورد وجود شفافیت اطلاعات در کل بازار بورس

۱. موسوی خمینی، کتاب البیع، ص ۶۳۲.

۲. حر عاملی، پیشین، ج ۱۷، ص ۴۴۸.

۳. صبری، ۱۴۱۹ق، ص ۱۵۶.

است که این مهم یک از فلسفه‌های اصلی ایجاد بورس می‌باشد. با وجود بورس‌ها، معاملات تقریباً در شرایط اطلاعات کامل انجام شوند و هیچ‌یک از طرفین معامله به واسطه جهل در یکی از خصوصیات معامله متضرر نمی‌شوند. بنابراین در بورس که قوانین آن متضمن شفافیت کامل اطلاعات و ارائه آن به دو طرف معامله است، این شبهه به صورت متعارف کمتر وارد خواهد بود. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد مربوط به قراردادهای آتی است که در این نوع قراردادها باید تمامی خصوصیات و شرایط آن چه که مورد معامله است ذکر شود تا مورد پذیرش بورس قرار گیرد. بنابراین شبهه غرر در این زمینه نیز مردود خواهد بود، چراکه برای غرری نبودن معامله لازم است که مقدار و کیفیت عوضین عرفاً معلوم باشد. آگاهان به قراردادهای آتی می‌دانند که تمامی خصوصیات عوضین بر روی قرارداد ثبت شده است و قیمت نیز با توافق طرفین هنگام انعقاد قرارداد معین می‌شود. بنابراین غرر در قراردادهای آتی منتفی است.^۱

ممنوعیت قمار: قمار، پذیرش خطر به امید کسب منفعت در جایی است که این امید بر پایه بخت، شانس و تصادف و اتفاقات غیر مطمئن استوار باشد. در قمار ریسک کردن به خودی خود ضرورت ندارد. در قمار هر طرف به تصور این که بخت و شانس با او یاری خواهد کرد و برنده خواهد شد، قمار می‌کند و اگر بداند برنده نخواهد شد، هرگز اقدام به آن نخواهد کرد. قرآن مجید ما را به صراحت از شرط‌بندی و قمار نهی فرموده است و این مطلب در آیات متعددی ذکر شده است که در آن به «المیسر» یاد شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره/۲۱۹) هم‌چنین در آیه دیگری می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

(مائده/۹۰) در باب این که آیا در قراردادهای آتی قماری صورت می‌گیرد یا خیر دیدگاه‌های

مختلفی وجود دارد. برخی معتقد به شباهت کامل این قراردادها با قمارند، براساس این دیدگاه آنها «به علت شباهت این نوع معاملات با معاملات قمار و بازنده بودن یک طرف و سود بردن طرف دیگر به همان اندازه، معامله قمار و باطل است»^۱.

در مقابل برخی دیگر آتی را دارای مشکل قمار نمی‌دانند، زیرا قمار به وسیله آن بستگی دارد یعنی اگر در یک بازی از آلات قمار استفاده شود آن قمار است و گرنه نیست و حکم دادن براساس شباهت در موضوع را همان قیاس باطل دانسته و می‌گویند: «آگاهان به مسائل فقهی می‌دانند که صرف تشابه، موجب یکسان بودن حکم نمی‌شود. این همان قیاسی است که بطلانش در مذهب حقه امامیه مسلم است»^۲. باید توجه داشت که در فقه پویای شیعه نه صرف شباهت به یک عنوان باعث حرمت می‌شود و نه صرف باقی ماندن در عناوین موضوعات مورد ابتلای گذشته شبهه حرمت را رد می‌کند. در بحث قمار بودن قراردادهای آتی نیز می‌توان گفت که یکی از ملاکات قمار بودن یک عمل صدق عنوان عرفی آن است؛ بدین معنا که آنچه در نگاه اول از یک عمل در ذهن عقلا متبادر می‌شود قمار باشد. در همین راستا مشاهده می‌کنیم امروزه بسیاری از تحلیل‌گران بازارهای بورس از قرارداد آتی با عنوان قمار یاد می‌کنند. هم‌چنین باید توجه داشت که برای به دست آوردن حکم شرعی در مورد قمار نباید تنها به آلات زمان قدیم رجوع کرد، بلکه شاید سیستم قراردادهای آتی نوعی آلت قمار تلقی شود که به نظر می‌رسد درخور بررسی باشد. مباحث فوق به این مسأله می‌پردازد که آیا قرارداد آتی با معیارهای شارع مقدس همخوانی دارد یا خیر؟ اکنون سؤال اساسی این جاست که آیا عبور از صافی اصول مطرح شده کافی است یا این‌که لزوماً یک قرارداد جدید در زمان حال نیز باید به شکل عقود موجود در زمان شارع دربیاید؛ در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد: عده‌ای معتقدند یک قرارداد جدید که عرف

۱. صالح‌آبادی، علی، امکان‌سنجی راه‌اندازی بازار آتی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، پایان‌نامه کارشناسی

ارشد رشته مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق(ع)، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۰۱.

۲. معصومی‌نیا، بررسی فقهی و اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۲۳۹.

عقلا آن را بپذیرد و از صافی ضوابط عمومی معاملات اسلامی عبور کند؛ محکوم به صحّت است البته این نوع تفکر در زمان حاضر طرفدار زیادی ندارد. اما در مقابل دسته دیگری از اندیشمندان اسلامی معتقدند که هر قرارداد جدیدی که قرار است مورد استفاده قرار گیرد باید حتماً در قالب یکی از عقود شرعی اسلامی تعریف گردد. اکثر اندیشمندان اسلامی (خصوصاً در مورد قراردادهای آتی) قائل به این دیدگاه هستند. تلاش‌های صورت گرفته توسط اندیشمندان مختلف سه نوع تحلیل را نتیجه داده است. به عبارت بهتر قراردادهای آتی را می‌توان در قالب سه نوع عقد شرعی تحلیل کرد که در ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم.

بررسی قراردادهای آتی در قالب عقود شرعی

بررسی قرارداد آتی در قالب بیع: بنابر نظر فقها بیع تعریف شرعی ندارد، بلکه همان ماهیت خرید و فروش است که عرف آن را می‌شناسد. بنابراین بیع حقیقت شرعی ندارد^۱ و در نتیجه برای فهمیدن معنای آن باید به عرف مراجعه کرد. اگر قیدی در آن معتبر شمرده شده، آن را نیز باید در نظر گرفت وگرنه در مواردی که شرع ساکت است و ما در صدق بیع شک می‌کنیم، مرجع فهم، عرفی خواهد بود.^۲ بیع از نظر مدت دار بودن ثمن یا مثنی به چهار نوع تقسیم می‌شود.

بیع نقدی: همان خرید و فروش نقدی است که در آن ثمن و مثنی هر دو به صورت نقدی پرداخت می‌شوند و در این صورت بعد از انعقاد بیع هر یک از عوضین به دیگری منتقل می‌شود و این نوع بیع قدر متیقن *أحلّ الله البيع* است و منع شرعی ندارد و ذمه هر یک از متعاقدین با تحویل عوض، فراغت می‌یابد.

بیع سلف: عبارت است از خرید کلی مدت‌دار در مقابل ثمن نقد (برعکس نسیه) و

۱. نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ص ۲۰۴.

۲. معصومی‌نیا، بررسی فقهی و اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۶۲.

به آن سلم نیز گفته می‌شود.^۱ در این حالت ثمن به صورت نقدی پرداخت می‌گردد اما مثنی به صورت مؤجل و دارای مدت تحویل داده می‌شود و ذمه فروشنده در طول این مدت بری نخواهد بود. به نظر اغلب فقها در این نوع بیع، ثمن باید هنگام عقد بیع به بائع تأدیه گردد. به عبارت دیگر شرط لازم و شرط صحّت بیع را تسلیم ثمن، هنگام عقد قرارداد می‌دانند.

بیع نسیه: در معامله نسیه ثمن مدت‌دار است و مثنی به صورت نقدی توسط خریدار

دریافت می‌شود. به عبارت دیگر بیع نسیه آن است که ثمن، کلی (در ذمه) و مؤجل باشد.

بیع کالی به کالی: دین از نظر لغوی به معنای چیزی است که دارای مدت باشد؛ هم‌چنین دین به معنای گذاشتن مالی در اختیار دیگری برای مدتی معلوم است و یا تعهدی است برعهده شخصی برای انجام دادن کار یا خودداری از آن و یا پرداخت مالی، در اصطلاح حقوقی به تعهدی که برعهده شخصی به نفع دیگری وجود دارد از حیث انتساب به بستانکار، طلب و از جهت نسبتی که با بدهکار دارد بدهی گویند.^۲ بیع کالی به کالی بیعی است که ثمن و مثنی کلی فی الذمه باشد و برای تسلیم مبیع و ثمن موعدی مقرر شده باشد و در زمان عقد بیع هیچ چیز دیگری ردوبدل نشود. شیخ طوسی در النّهایه در احکام بیع سلف و بیع دیون، بیع دین به دین را جایز ولی مکروه دانسته است.^۳ ابن‌ادریس در السرائر پس از تقسیم دین به حال و مؤجل می‌گوید اگر دین مؤجل باشد، فروش آن به اجماع جایز نیست، ولی اگر حال باشد فروش آن در مقابل دین دیگری جایز است. محقق حلّی در کتاب شرایع الإسلام در باب دین می‌فرمایند: بیع دین به حال، خواه بر مدیون و غیرمدیون جایز است و تفاوتی ندارد که ثمن آن نقد باشد یا این که به جای آن از دین دیگری که حال باشد استفاده شود، ولی اگر ثمن مؤجل و مدت‌دار باشد برخی گفته‌اند باطل

۱. موسوی خمینی، کتاب‌البیع، ص ۶۱۶.

۲. جعفری لنگرودی، پیشین، ص ۲۱۶.

۳. طوسی، المبسوط، ص ۳۹۷.

است.^۱ علامه حلی در تذکره در باب بیع دین به دین، با استناد به روایتی از امام صادق (ع) به نقل از رسول الله (ص) «لَا يُبَاعُ الدِّينَ بِالْدِّينِ» آن را جایز ندانسته، اما فروش دین به نسیه را مکروه می‌داند.^۲

شهید اول در الدرر می‌فرمایند: اگر دین مؤجل باشد، بیع آن به‌طور کلی جایز نیست و در لمعه می‌فرمایند: بیع دین، خواه حال باشد یا مؤجل، در مقابل دیگری که حال باشد جایز است ولی در برابر دینی که مؤجل و مدت‌دار باشد جایز نیست.^۳ یکی از انواع بیع کالی به کالی، بیع دین به دین می‌باشد که شناخت آن به بررسی بهتر قراردادهای آتی کمک می‌کند در این نوع بیع آن‌چه در ذمه دو طرف قرار می‌گیرد یک نوع دین است اما بنابر فتوای مشهور فقها این نوع بیع مطلقاً جایز نیست البته در تفسیر آن اختلاف است که آیا مختص دین قبل از عقد می‌شود یا این‌که اعم از دین قبل از عقد و دین بالعقد است. در مورد دین قبل از عقد اختلافی نیست که معامله آن باطل است و تفاوتی ندارد که أجل دین هنگام معامله رسیده باشد یا خیر و اما اگر دو طرف دین مؤجل بالعقد باشد طبق نظر مشهور معامله باطل است؛ ولی اگر ثمن و مثن دین حال باشند، معامله صحیح است. دلیل بطلان بیع دین به دین روایت منقول از پیامبر اسلام (ص) است که فرموده‌اند: لَا يُبَاعُ الدِّينَ بِالْدِّينِ. البته معامله دین به دین به صورت عام ممنوع نیست؛ بلکه بیع آن باطل است؛ به همین جهت می‌توان دین به دین را مصالحه کرد. قرارداد آتی را می‌توان در قالب بیع با ثمن و مثن مؤجل انجام داد که شباهت زیادی به بیع کالی به کالی دارد. نظر اندیشمندان در این زمینه مختلف است که در ذیل به تعدادی از آنان اشاره می‌کنیم.

براساس دیدگاه برخی از اندیشمندان یک قاعده اصلی در اسلام وجود دارد و آن این

۱. ابن‌ادریس، ۱۳۶۸، ص ۲۰۶.

۲. حلی، ۱۴۰۰، ص ۵۴۷.

۳. مکی عاملی، شمس‌الدین محمد (شهید اول)، لمعه دمشقیه، ترجمه و تبیین محسن غرویانی، علی شیروانی،

قم، دارالفکر، ۱۳۸۶ش، ص ۳۶۶.

است که ثمن و مثن نمی‌توانند هر دو مؤجل باشند. بنابراین پیمان آتی و قرارداد آتی در شریعت اسلامی معتبر نیستند.^۱ تا جایی که معتقدند که قراردادهای آتی مدرن مورد نهی صریح پیامبر اسلام (ص) است.^۲ عمده اشکال در این نوع قرارداد، شمول عنوان معامله کالی به کالی یا دین به دین بر آن است؛ اما در مقابل، دیدگاه دیگری وجود دارد که بر استدلال‌های وارد شده درباره قرار گرفتن قراردادهای آتی تحت عنوان بیع کالی به کالی و دین به دین خدشه وارد می‌کند. عمده تکیه این استدلال‌ها بر مباحث روایی و حدیثی می‌باشد.^۳ باید توجه داشت که آنچه این گروه از فقها در رد آن استدلال نموده‌اند، مورد اجماع علمای عامه است و بنابراین مناسب است برای جلوگیری از خدشه‌دار شدن اجماع، این قراردادها در سایر قالب‌های مطرح شده در قراردادهای اسلامی (غیر از بیع) تصحیح شود.

بررسی قرارداد آتی در قالب عقد صلح: در صورتی که نتوان قرارداد آتی را در قالب بیع تصحیح کرد باید دید که آیا می‌توان این قرارداد را در قالب عقود دیگر اسلامی تصحیح کرد یا خیر؟ از دیگر عقود که می‌توان قرارداد آتی را در قالب آن نام برد می‌توان به عقد صلح اشاره کرد. عقد صلح عبارت است از «تراضی و تسالم (رضایت و سازش طرفین) بر چیزی؛ از قبیل تملیک عین یا منفعت یا ساقط نمودن دین یا حق و غیر این‌ها و و شرط نیست که مسبوق به نزاع باشد»^۴ صلح یک عقد شرعی مستقل است و فرع عقد دیگری نیست و آیات و روایاتی در این زمینه وجود دارد که در زیر به آنها اشاره می‌شود: وَالصُّلْحُ خَيْرٌ؛ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ. روایت نبوی: الصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ. و از آن جایی که صلح فرع عقد دیگری از جمله بیع نیست در نتیجه بنابر فتوای مشهور فقها

۱. صالح‌آبادی، امکان‌سنجی راه‌اندازی بازار آتی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، ص ۸۲.

۲. فهیم‌خان، ۱۳۸۶ش، ص ۴۶.

۳. معصومی‌نیا، پیشین، صص ۱۱۸ و ۲۳۳.

۴. موسوی خمینی، کتاب‌البیع، ص ۶۳۷.

صلح دین به دین از دایره شمول بیع دین به دین خارج بوده و جایز است. حضرت امام خمینی (قدس سرّه) در تحریر الوسیله می‌فرماید: «معامله دین به دین که در قالب عقد بیع منهی می‌باشد در چارچوب و قالب عقد صلح شرعی و صحیح است». و وقتی صلح دین به دین به طور مطلق جایز شد، صلح کالی به کالی مسلماً بدون مانع خواهد بود. براساس این قراردادها، معامله در زمان حاضر انجام خواهد شد و نیازی به تعهد به بیع در آینده نخواهد بود، لذا قرارداد معاملات آتی را به عنوان عقد صلح می‌توان این‌گونه بیان کرد: قرارداد معاملات آتی عبارت است از اسنادی که به موجب این اسناد طرفین معامله مصالحه می‌کنند که یکی از آنها بر ذمه گیرد تا عوضی را در مقابل متاعی به تملک شخص اول درآورد.

آنچه در بالا آمد با این فرض مشهور فقها بود که صلح عقد مستقلی است اما عده‌ای نیز صلح را عقد مستقلی نمی‌دانند و آن را تحت عنوان بیع به حساب می‌آورند در این صورت صلح دین به دین نوعی بیع دین به دین خواهد بود که حرام است. در این زمینه استفتائی از مراجع عظام تقلید صورت گرفته است که صحت معامله صلح کالی به کالی مورد سؤال قرار می‌گیرد؛ پاسخ مراجع به این شرح است که حضرات آیات خامنه‌ای، بهجت، صافی گلپایگانی، نوری همدانی، فاضل لنکرانی، موسوی اردبیلی رأی به صحت معاملات داده‌اند اما آیت‌الله سیستانی این نوع معاملات را محلّ اشکال می‌دانند.^۱ کمیته فقهی بورس نیز انجام معاملات آتی در قالب صلح را جایز می‌داند. در این حالت قرارداد آتی بدین شرح منعقد می‌شود: «فروشنده براساس قرارداد صلح، مقدار معینی از دارایی مشخص را در مقابل قیمتی معین به دیگری صلح می‌کند و متعهد می‌شود آن دارایی را با آن مشخصات در سررسید تحویل دهد و طرف دیگر نیز متعهد می‌شود قیمت آن را طبق قرارداد بپردازد، طرفین به صورت شرط ضمن عقد صلح، متعهد می‌شوند مبلغی را به عنوان

۱. نامه شماره ۸۴/۱۰۰/۱۱۹۳۴ مورخ ۱۳۸۴/۶/۲۴ از سازمان (وقت) کارگزاران بورس فلزات تهران به مراجع عظام

وجه الضمان نزد کارگزار بورس بگذارند»^۱ اما باید توجه داشت که براساس قاعده «العقود تابعه للقصد» صرف تغییر نام، ماهیت عقد را تغییر نخواهد داد و طراحان ابزارهای مالی شرعی همواره باید به این نکته توجه داشته باشند که فقط سازگاری یک ابزار مالی با احکام شرعی کافی نیست، بلکه باید سهولت در اجرا را هم در نظر گرفت. بنابراین به دلیل آشنایی کمتر معامله‌گران با عقد صلح، استفاده از قراردادهای آتی در قالب این عقد کمتر توصیه شده است.

بررسی قرارداد آتی در قالب شرط و عهد: در این حالت می‌توان قرارداد آتی را در قالب شرط ابتدایی برای تعهد خریدار به خرید مبیع و پرداخت ثمن و تعهد فروشنده به فروش آن در مدت معین بررسی کرد. در این صورت بیعی صورت نمی‌گیرد بلکه دو طرف تعهد می‌کنند که در آینده و در زمان معلوم با یکدیگر معامله بیع انجام دهند. البته نکته درخور توجه این جاست که در باب الزام‌آور بودن شرط ابتدایی، بین فقها اختلاف است به گونه‌ای که عده‌ای می‌گویند شرط ابتدایی الزام‌آور نیست و اگر فردی به این شرط عمل نکند صرفاً یک عمل مذموم اخلاقی انجام داده است، در حالی که دسته دوم قائل به الزام‌آور بودن آن هستند و عمل به شرط ابتدایی را بر ذمه فردی که شرط را پذیرفته است می‌دانند. البته می‌توان برای این دو تعهدی که در مقابل یکدیگر به وجود آمده‌اند عقد مستقل و جدیدی ایجاد نمود و چون با دو التزام مواجه هستیم می‌توانیم مورد را مصداق یک عقد جدید بدانیم که تعهد در برابر تعهد دیگر قرار گرفته است. این عقد در زمان تشریح به این صورت وجود نداشته است؛ ضوابط عمومی معتبر در عقود هم در این جا وجود دارد؛ دو طرف با رضایت به تعهد تن می‌دهند؛ اکل مال به باطل وجود ندارد؛ شرط زیاده‌ای نیز در کار نیست؛ بنابراین ربا منتفی است. از آن جا که تمامی مشخصات معین است، غرر هم در کار نیست و از آن جا که اصل در عقود لزوم است، عمل به مفاد آن بر هر دو طرف واجب

۱. مصوبات کمیته تخصصی فقهی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۷.

است.^۱

در پایان لازم به ذکر است که شورای فقهی بورس نیز قرارداد آتی را در قالب شرط و عهد می‌پذیرد و براساس مصوبه شورای فقهی در قرارداد آتی در قالب شرط و عهد «فروشنده براساس قرارداد، متعهد می‌شود در سررسید معین مقدار معینی از دارایی مشخص را به قیمتی که الآن تعیین می‌کنند، بفروشد در مقابل، طرف دیگر قرارداد متعهد می‌شود آن دارایی را با آن مشخصات خریداری کند و برای جلوگیری از امتناع طرفین از انجام قرارداد، طرفین به صورت شرط ضمن عقد متعهد می‌شوند مبلغی را به‌عنوان وجه الضمان نزد کارگزار بورس بگذارند».^۲

مشروعیت یا عدم مشروعیت قراردادهای آتی (ادله موافقان و مخالفان)

دیدیم که ضرورت‌های عقلایی، موجب پیدایش قراردادهای آتی شد. شکل‌گیری قراردادهای آتی در امریکا بود و پس از آن در سایر بورس‌ها در سراسر جهان مورد استفاده قرار گرفت.^۳ امروزه برای تهیه بسیاری اجناس در تاریخ معینی در آینده، در قالب این قراردادها اقدام می‌شود. در بسیاری از قراردادهای بین‌المللی می‌توان رد پای این قراردادها را مشاهده کرد. مینا قرارگرفتن این معاملات برای ایجاد اطمینان برای تولیدکننده و مصرف‌کننده، هم در زمینه حذف ریسک قیمت و هم جهت ایجاد اطمینان برای وجود خریدار و فروشنده، امری کاملاً عقلایی به نظر می‌رسد. اما این قرارداد برای به‌کارگیری در کشورهای اسلامی، باید با موازین فقهی و شرعی مطابقت داشته باشد. چون نظام حقوقی ما مبتنی بر فقه است، شرط تطابق با حداقل عدم مغایرت قوانین با شرع باید مورد توجه واقع شود. مطابق اصل چهارم قانون اساسی کلیه قوانین باید براساس موازین اسلامی باشد و این

۱. مصوبات کمیته تخصصی فقهی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۵۰.

۲. همان، ص ۱۷.

3. Johnson, Stafford, 1995, p.354.

اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حکومت دارد. تحقیقات حقوقدانان و فقهای کشورهای اسلامی درباره ابزارهای مشتقه، هنوز در مرحله مقدماتی خود می‌باشد و از نظر مشروعیت و اعتبار این نوع قراردادها، بین آنان اختلاف زیادی وجود دارد.^۱ بیشتر فقهای اهل سنت این قراردادها را از جهات مختلف باطل می‌دانند. دسته‌ای از ایشان هم برخی از این قراردادها را قابل استفاده و بعضی دیگر را باطل می‌دانند. انجمن‌های فقهی نیز ابزارهای مشتقه را مورد بررسی قرارداد و نظر خود را درباره آن اعلام کرده‌اند. مثلاً انجمن فقهی سازمان کنفرانس اسلامی پس از بررسی این ابزارها، آنها را نامشروع دانسته و انجمن فقهی مکه با اینکه منافع اقتصادی ابزارهای مشتقه را مورد تأیید قرارداد، استفاده از این ابزارها را غیرشرعی دانسته است.^۲

دلایل مخالفان مشروعیت قراردادهای آتی: مهم‌ترین این ادله عبارتند از: وجود

غرر، فقدان قصد، قمار، ربوی بودن و انحراف از فلسفه ابداع این قراردادها.

۱. **وجود غرر در معامله:** وجود غرر در قراردادهای آتی از جمله دلایل بطلان این‌گونه معاملات شمرده شده است. غرر در لغت به معنای خطر^۳ و در معرض هلاکت قرار گرفتن^۴ است. از نظر بعضی از فقها غرر، جهل در خصوص رسیدن شیء به دست منتقل‌الیه است. بنابراین، اگر حصول چیزی که مجهول است، معلوم باشد و یا فقط صفت آن مجهول باشد، غرری نخواهد بود. برخی درباره بیع غرری گفته‌اند: بیع غرری از نظر حنفیه و شافعیه و حنابله و زیدیه عبارت است: از بیع چیزی که وجود و عدم آن دانسته نمی‌شود و یا از نظر کمیت، مجهول است و یا قدرت بر تسلیم آن وجود ندارد. برخی از فقها درباره بیع غرری چنین بیان داشته‌اند: معامله‌ای که در آن خطر باشد، معامله غرری محسوب می‌شود و خطر

۱. معصومی‌نیا، پیشین، ص ۲۳.

2. Albashir, Muhammad, 2005, pp.59, 60.

۳. جوهری، الصحاح - تاجر اللغة و صحاح العربیه، ج ۲، ص ۷۶۸؛ فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۳۴۷.

۴. نراقی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، ص ۸۹.

هم عبارت است از احتمال ضرری که از نظر عقلاً غیرقابل اجتناب است، نه احتمال ضعیفی که عرف توجّهی به آن ندارد.^۱

از شرایط صحت بیع، علم تفصیلی طرفین عقد به مقدار و کیفیت عوضین است. دلیل بر این امر، اجماع^۲ و حدیث «نَهَى النَّبِيُّ عَنِ بَيْعِ الْغَرَرِ» می‌باشد. برخی فقها این اجماع را به حدیث نفی غرر برگردانده می‌گویند: اگرچه وجود اجماع در این مسأله مسلم است، ولی از نظر ما، مدرک حکم، حدیث نفی غرر است که بین شیعه و سنی مشهور می‌باشد، بنابراین اجماع تعبّدی نداریم. از مصادیق غرر این است که مقدار و کیفیت عوضین معلوم نباشد، البته منظور معلومیت عرفی است. یعنی برای این که معامله غرری نباشد، لازم است مقدار و کیفیت عوضین عرفاً معلوم باشد. در مورد قرارداد آتی تمامی خصوصیات عوضین بر روی قرارداد ثبت شده است و قیمت نیز با توافق طرفین هنگام انعقاد قرارداد معین می‌شود. بنابراین غرر در این مورد منتفی است.^۳ توجه به این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که ریسک ناشی از نوسانات قیمت، در محدوده غرر قرار نمی‌گیرد. چرا که چنین ریسکی لازمه انجام فعالیت‌های تجاری و اقتصادی است که در معاملات نقدی هم وجود دارد. به اضافه این که جلوگیری از نزاع که از نظر برخی، مبنای ممنوعیت معاملات غرری است.^۴ در قراردادهای آتی وجود ندارد، چون انجام این قراردادها در بورس‌های رسمی و زیر نظر مراجع صلاحیت‌دار صورت می‌گیرد.

فقدان قصد: از ایراداتی که به قرارداد آتی وارد شده این است که در این قراردادها، قصد جدی مبنی بر انجام موضوع عقد که عبارت است از انجام تعهدات متقابل طرفین در

۱. رفیعی، محمدتقی، مطالعه تطبیقی مفهوم غرر در معاملات، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات قم، ۱۳۷۸ش، صص ۱۰-۶.

۲. انصاری، مکاسب، ج ۴، ص ۲۱۰.

۳. معصومی‌نیا، بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۲۴۲.

۴. همان، ص ۴۱.

آینده، وجود ندارد و هیچ‌گونه تجارت و دادوستدی در این‌گونه بازارها صورت نمی‌گیرد^۱ و عملاً تحویل کالا و پرداخت ثمن جز در موارد بسیار کم، محقق نمی‌شود و طرفین نیز به این امر آگاهند. بنابراین قصد جدی نسبت به انجام مورد تعهد، در حین انعقاد عقد، وجود ندارد. در صورتی که از شرایط اساسی صحت یک قرارداد، قصد جدی نسبت به مفاد آن می‌باشد. برای این‌که اراده در جهان حقوق معتبر باشد و بتواند انشای تعهد کند، باید به واقع ناظر به ایجاد دین باشد و اراده‌کننده در این راه به‌طور جدی تصمیم بگیرد.^۲ کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار هم این ایراد را یادآوری و بیان کرده است: «در این قراردادها قصد جدی معامله وجود ندارد و بازار کاغذی است».^۳ در پاسخ به این ایراد گفته‌اند که در هر نوع از عقود، آنچه اراده به ایجاد آن تعلق می‌گیرد و موضوع قصد و رضا می‌باشد، امر مخصوصی است؛ همان‌طور که در بیع، ملکیت عین و در نکاح، زوجیت و در اجاره، ملکیت منافع است.^۴ در قراردادهای آتی هم آنچه مورد قصد واقع می‌شود، تعهد به انجام معامله‌ای در آینده است. پس نباید به‌طور کلی حکم داد که در یک گروه از معاملات قصد وجود دارد یا نه. از همین‌رو نمی‌توان فردی را که برای انجام قرارداد آتی مطابق مقررات بورس اقدام می‌کند، فاقد قصد دانست. از سوی دیگر این‌که طرفین می‌توانند با به‌کاربردن مکانیزم‌های بازار آتی، تعهدات قراردادی خود را ساقط کنند، تأثیری در قصد طرفین ندارد.

وقتی فردی با تشکیل قرارداد آتی، نسبت به انجام معامله موضوع این قرارداد متعهد می‌شود، و در عین حال آگاه است که می‌تواند با انجام یک معامله معکوس از بازار آتی خارج شود، این امر منافاتی با قصد انشاء ندارد. چون قصد واقعی نسبت به انجام معامله، در هنگام قرارداد باید وجود داشته باشد پس این امر که هریک از طرفین در آینده درباره عقد

1. M.Fahim Khan, op. cit, plo.

۲. کاتوزیان، عقود معین، ج ۱، ص ۲۲۱.

۳. مصباحی مقدم، غلامرضا و صفری، محمد، «بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه‌های اسلامی»، اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش، ش ۳۶.

۴. امامی، حقوق مدنی، ج ۱، ص ۱۸۹.

و انجام تعهدات خود چه تصمیمی خواهد گرفت، تأثیری در وقوع عقد ندارد. به همین جهت است که کسی در صحت معامله مشروط تردید ندارد، با این که مشروط له می تواند هر وقت خواست قرارداد را فسخ کند. شبهه ای که ممکن است در این جا مطرح شود این است که وجود ودیعه در قرارداد می تواند تردید در وجود قصد را قوت بخشد. بعضی حقوقدانان قراردادهای با بیعانه را از مصداق های مواردی آورده اند که در آنها وجود اراده قاطع بر انجام مورد معامله مورد تردید است^۱ ولی بر فرض که دادن بیعانه نشانه ایجاد خیار فسخ برای طرفین یا یکی از آن دو باشد، این خیار شرط، منافاتی با قاطع و جدی بودن اراده بر انعقاد قرارداد ندارد، جز این که برای آنان اختیار عدول از آن را پیش بینی می کند.^۲ پس ایراد فقدان قصد نیز براساس آن چه بیان شد وارد نمی باشد و معاملات در این خصوص جنبه صوری به خود نمی گیرند.

قمار: در بینش اسلامی «قمار» در ردیف معاملاتی که مبتنی بر اصول تجاری و نظم اجتماعی است قرار نگرفته و رأساً نامشروع دانسته شده است. علت بطلان آن نیز همان نامشروع بودن است که نمی تواند منشأ دین باشد،^۳ به همین جهت به دست آوردن مال از طریق قمار، مصداق بارز «استفاده بدون جهت» و خوردن مال دیگران به باطل است که صریحاً در قرآن نهی شده است: لا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ (نساء/ ۲۹). از نظر فقهی، حرمت قمار اجماعی است^۴ و بر آن ادعای تواتر شده است^۵ و کسب درآمد از راه قمار از مصادیق مکاسب محرّمه است. در اصطلاح فقهی قمار به کسر قاف عبارت است از

۱. کاتوزیان، عقود معین، صص ۲۲۴-۲۲۳.

۲. همان.

۳. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۸۱.

۴. بحرانی، یوسف، حدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۱۸۶.

۵. انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۳۷۱.

گروگذاری در بازی با وسایل معروف قمار، همان‌طور که برخی اهل لغت بیان کرده‌اند.^۱ قانون مدنی در ماده ۶۵۴ بیان می‌کند: «قمار و گروبندی باطل و دعاوی راجع به آن مسموع نخواهد بود، بنابراین اگر معامله‌ای از مصادیق قمار باشد، باطل خواهد بود». یکی از ایراداتی که به قرارداد آتی شده، آن است که این قراردادها نوعی قمار محسوب می‌شوند. منظور این ایراد باید این باشد که چون همیشه، هم احتمال سود می‌رود و هم احتمال زیان، و این در بسیاری موارد شامل مبالغ کلانی می‌شود، قمار هم چنین خاصیتی دارد؛ بنابراین حکم این قراردادها، حکم قمار است اما می‌دانیم که صرف تشابه، موجب یکسان بودن حکم نمی‌شود. این همان قیاس است که از نظر شیعه بطلانش مسلم است.^۲ اگر ثابت می‌شد که قراردادهای آتی از مصادیق قمار است، حکم قمار و حرمت بر آن مترتب می‌شد، اما صرف تشابه از برخی جهات، دلیل بر یکسان بودن حکم نمی‌شود^۳ و تفاوت اساسی بین آنها وجود دارد. در قمار طرفین، خود در تحقق واقعه غیر معلومی که موضوع قمار است نقش دارند، درحالی‌که طرفین قراردادهای آتی نقشی در افزایش یا کاهش قیمت ندارند. کسب سود و زیان در قمار نتیجه بازی است و به اتفاق محض یا حداکثر مهارت‌های بی‌ارزش بستگی دارد و برخی از فقها صرفاً بردو باخت به وسیله آلات را قمار گویند، چه عوض و پولی در میان باشد چه نباشد.^۴ سود و زیان در قراردادهای آتی حاصل تحلیل‌ها و محاسبات طرفین، معاملات آنها، وضعیت بازار و تغییرات حقوق مالی آنها می‌باشد. هم‌چنین ریسکی که در قمار وجود دارد ساختگی است و قابل اجتناب، درحالی‌که ریسک ناشی از تغییرات قیمت، یک ریسک تجاری و واقعی است. علاوه بر این قمار، عملی مذموم و ناپسند و برخلاف آداب و نظم عمومی است؛ درحالی‌که قراردادهای آتی نوعی معامله

۱. انصاری، مکاسب، ص ۳۱۸.

۲. حلی، پیشین، ج ۳، ص ۱۸۸.

۳. معصومی‌نیا، بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۲۳۹.

۴. انصاری، مکاسب، ص ۱۸۵.

است که با هدفی معقول یعنی پوشش ریسک ناشی از تغییرات قیمت صورت می‌گیرد. بنابراین قراردادهای آتی مصداق قمار نمی‌باشند تا از این جهت مشمول حرمت و بطلان گردند و شباهت آنها با قمار نمی‌تواند سبب وحدت حکم شود.^۱

ربوی بودن: گفته شده است که قراردادهای آتی مالی، شکل دیگری از ربا محسوب می‌شود.^۲ بعضی نیز گفته‌اند که قراردادهای آتی ارز، نرخ بهره و شاخص سهام، ربوی هستند، ولی در مورد قرارداد آتی کالایی ربا جاری نیست. حتی گفته شده است که در این زمینه بین مکاتب فقهی اجماع وجود دارد؛^۳ چرا که در اکثر مواقع، کالایی ردوبدل نمی‌شود و طرفین با تسویه‌های نقدی به معامله خاتمه می‌دهند. اما به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از اقسام ربا در قراردادهای آتی و به خصوص قراردادهای آتی کالایی وجود نداشته باشد. البته برخی از قراردادهای آتی مالی مثل قراردادهای آتی نرخ بهره، ممکن است به خاطر این که دارایی پایه آنها ربوی است نامشروع تلقی شود، ولی این امر قاعده کلی در قراردادهای آتی نیست. در رد ادعای ربوی بودن قراردادهای آتی می‌توان گفت در زمان انعقاد قرارداد مشخص نیست که وضعیت بازار به کدام سو می‌رود و چه کسی سود می‌کند. هم‌چنین میزان سود و زیان طرفین هم مشخص نیست. در حالی که در ربا، ربا دهنده و ربا گیرنده از ابتدا مشخص هستند. هم‌چنین صرف تسویه نقدی، باعث ربوی شدن معامله نمی‌شود. سود و زیان طرفین در قراردادهای آتی، حاصل افزایش یا کاهش قیمت‌ها در بازار و به عبارت دیگر، حاصل افزایش یا کاهش ارزش حقیقی است که طرفین به وسیله قرارداد به دست می‌آورند؛ چرا که افزایش یا کاهش قیمت دارایی پایه در بازار نقدی معمولاً بر روی قیمت قراردادهای آتی که مشتقی از آن دارایی پایه است تأثیر می‌گذارد.

۱. معصومی‌نیا، بررسی فقهی اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۲۳۹.

۲. طریق‌اله‌خان و حبیب‌احمد، مدیریت ریسک و بررسی عوامل بروز آن در صنعت خدمات مالی اسلامی، ترجمه محمد مهدی موسوی بیوکی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۱۷.

۳. همان، ص ۲۱۹.

انحراف از فلسفه ابداع این قراردادها: گفته شده است که قراردادهای آتی از فلسفه

ابداع خود که پوشش ریسک می‌باشد منحرف شده و به ابزاری برای بورس‌بازی و کسب سود برای بورس‌بازان تبدیل شده است.^۱ همان‌طور که روشن است، این اشکال مربوط به سوءاستفاده از این قرارداد است و باید حساب یک ابزار را از سوءاستفاده از آن جدا کرد. این‌که قراردادهای آتی از هدف اصلی خود فاصله گرفته‌اند یا برای احتکار و بورس‌بازی آنها استفاده می‌شود، نمی‌تواند دلیلی بر بطلان آن باشد. این امری است که ممکن است در مورد سایر عقود هم اتفاق بیفتد. چنین سوءاستفاده‌هایی با استفاده از ابزارهای دیگر هم صورت می‌گیرد. همان‌طور که در برخی شرایط، محتکران با استفاده از عقود سنتی مثل بیع، برخی کالاها را خریده و احتکار می‌کنند و موجب بحران‌های بزرگی در اقتصاد می‌شوند. این سبب نمی‌شود که عقد بیع دچار اشکال شود. پس باید کاری کرد که زمینه سوءاستفاده به حداقل برسد. دولت‌ها باید با وضع مقررات و نظارت دقیق جلوی این سوءاستفاده‌ها را بگیرند تا معامله‌گران بتوانند اهداف مشروع خود را در بازار دنبال کنند.^۲ ایرادات دیگری نیز مطرح شده است از جمله این‌که کسب سود از طریق این قراردادها مصداق اکل مال به باطل است.^۳ در پاسخ باید گفت که سبب اکل مال عقد معتبری است که با تراضی طرفین قرارداد صورت گرفته است. این ایراد مصادره به مطلوب است. یعنی زمانی می‌توان این اشکال را پذیرفت که قرارداد آتی یک معامله صحیح محسوب نشود که چنین نیست.

دلایل موافقان مشروعیت قراردادهای آتی: مثلاً گفته شده است که این قراردادها یا دست‌کم برخی از اشکال آن صحیح یا قابل تصحیح هستند،^۴ چراکه در حقوق امروزی،

۱. عصمت پاشا، «فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه و دیدگاه‌های فقهی»، ترجمه علی صالح آبادی، اقتصاد اسلامی، ص ۱۳۹.

۲. معصومی‌نیا، بررسی فقهی و اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۲۲۷.

۳. همان، ص ۲۴۰.

۴. رضایی، «اوراق اختیار معامله در منظر فقه امامیه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۶۴.

اصل آزادی قراردادی یک اصل پذیرفته شده می‌باشد. هر قراردادی که به شکلی یک غرض مشروع را برآورده کند و شرایط صحت معاملات را هم داشته باشد، معتبر تلقی می‌شود. اشخاص می‌توانند قرارداد را با هر عنوان که مایل باشند، منعقد سازند و نتایج و آثار آن را به دلخواه معین کنند. حدود این آزادی اراده نیز محدود به قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه است. در فقه نیز نظریه حصری بودن الگوی معاملات که در زمان‌های گذشته طرفداران زیادی داشته است، امروزه چندان مورد توجه نیست^۱ و هر قرارداد عقلایی که به اراده‌ی طرفین انشاء شود و دلیلی بر فساد آن وجود نداشته باشد، معتبر و لازم‌الایفاء دانسته می‌شود.^۲ چنین پیشرفتی اختصاص به فقه ندارد و اکثر نظام‌های معتبر حقوقی از سخت‌گیری‌های خود در باب قراردادهای جدیدی که برحسب ضرورت باید وارد نظام حقوقی بشود کاسته‌اند. برای مثال در حقوق رم هم، قراردادها برای این‌که اثر حقوقی داشته باشند باید در قالب یکی از اشکال پذیرفته شده درمی‌آمدند و از همین رو قرارداد جدید، صحیح محسوب نمی‌شد. اما قانون مدنی فرانسه با آن‌که تحت تأثیر حقوق رم بوده است، از این محدودیت عبور کرده و بسیاری این امر را یک موفقیت برای حقوق فرانسه تلقی کرده‌اند.^۳ در خلال دهه‌های گذشته و در اثر پیشرفت‌های بشری و دگرگونی و تنوع نیازها، عقود بسیاری تحت عنوان «عقود مخترعه» یا «مستحدثه» مطرح شده‌اند که در زمان تشریح وجود نداشته‌اند و بر مبنای اصل صحت، حکم به اعتبار و صحت آنها شده است. مانند عقد بیمه، سرقفلی، اسناد تجاری و حق مؤلف و مصنف.^۴ این اصل شامل قراردادهای آتی هم می‌شود. عمومات فقه از قبیل «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»، «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» و «تِجَارَةٌ عَنِ

۱. شهیدی، قرارداد تشکیل بیع، ص ۲۰.

۲. روحانی، پیشین، ص ۵۷.

۳. وایت تیکر، سیمون، اصول قراردادها در حقوق فرانسه، ترجمه دکتر حسن ره پیک، تهران، نشر خرسندی، ۱۳۸۵ش، صص ۲۵ و ۲۶.

۴. روحانی، پیشین.

تراض» هم همین نظر را تأیید می‌کند. روش شارع نیز در باب معاملات، روش امضایی است. شارع به نیازهای متنوع جامعه توجه داشته و معاملاتی که نیازهای معقول جامعه را برآورده می‌سازند عموماً تأیید شده‌اند. هم‌چنین باید به ضرورت استفاده از این قراردادها توجه کرد؛ چنان‌که ضرورت تأمین تقدینگی برای تولیدکنندگان و به‌خصوص کشاورزان بوده است که مبنای جواز بیع سلف قرار گرفته والا بیع مالی که موجود نیست در اصل مجاز نمی‌باشد. بنای عقلا و سیره قطعی عقلایی هم دلیل دیگری است که می‌توان بر اعتبار این قراردادها اقامه کرد. چراکه بنای عقلا اختصاص به مسلمانان ندارد.^۱ نوسانات نامطلوب قیمت‌ها موجب از بین رفتن بخشی از دارایی می‌باشد و از نظر عقلا باید برای مقابله با چنین ریسکی، چاره‌اندیشی کرد و به دنبال ابزارهای این کار بود. یکی از این ابزارها که در بسیاری از کشورها مورد استفاده واقع می‌شود قراردادهای آتی است. از سوی دیگر گفتیم که عقود اسلامی هدف پوشش ریسک را برآورده نمی‌سازد.

حتی گفته شده است که حقوق اسلام در حوزه قراردادهای، یک مکانیزم مؤثر در زمینه پوشش ریسک فراهم نمی‌کند. بالا رفتن قیمت کالاها و ارزها یک پدیده مدرن است، درحالی‌که استفاده از بیع سلم، استصناع، و بیع نسبه که از سوی برخی برای استفاده به‌جای قراردادهای آتی پیشنهاد شده است؛ علاوه‌بر هزینه‌هایی که دارد، فقط جزیی از اهداف را برآورده می‌سازد؛ به این خاطر که این قراردادها برای پوشش ریسک طراحی نشده‌اند.^۲ استدلال دیگری که از سوی محققان مسلمان برای تأیید قراردادهای آتی مطرح شده است، بر این مبنا است که محافظت از دارایی، یکی از مقاصد شریعت به‌شمار می‌رود و کوتاهی در حفاظت از دارایی در برابر خطر (ریسک) از نگاه شرع، قابل سرزنش می‌باشد.^۳ بنابراین استفاده از قراردادهای آتی به‌عنوان ابزاری برای تحقق یکی از مقاصد شریعت، قابل دفاع

۱. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۹۹.

2. Mohammad bashim kamali, op, cil, p.24.

3. Ibid, p.25.

می‌باشد. گفته شده نگاه منفی فقها (بیشتر اهل سنت) ناشی از پیچیدگی قراردادهای آتی و عدم آشنایی درست آنان با این ابزار مدرن بوده است.

در پاسخ باید گفت حقیقت این است که این قراردادها باطل می‌باشند. چون تقریباً صد درصد موارد به تأدیه منجر نمی‌شود و همه کسانی که نسبت به خرید یا فروش این قراردادها اقدام می‌کنند، از این امر آگاهی کامل دارند. بنابراین معامله جنبه صوری پیدا می‌کند و در نتیجه ارکان معامله از این جهت دچار اشکال است. طرفین معامله به امری اقدام می‌کنند که قصد آن را ندارند و تنها هدف آنان این است که با دادن و گرفتن مابه‌التفاوت قیمت‌ها معامله را تسویه کنند. اما همان‌طور که قبلاً اشاره شده می‌توان از طریق عقد صلح، بیش‌تر موارد را تصحیح کرد و از این طریق مشکلات زیادی را که در مبادلات وجود دارد حل کرد و ابزار لازم را در اختیار فعالان اقتصادی قرار داد. به این ترتیب می‌توان به نیازهای واقعی تولیدکنندگان و مبادله‌کنندگانی که وجودشان موجب رونق اقتصادی است پاسخ گفت.^۱

قرارداد آتی شاخص سهام

آنچه تاکنون به بررسی آن پرداخته شد قراردادهای آتی یکسان و استاندارد شده مبتنی بر کالا بود. با توجه به این‌که اخباری مبنی بر انتشار قراردادهای آتی شاخص در بورس اوراق بهادار منتشر شده (مصاحبه مدیر تحقیق و توسعه بورس اوراق بهادار تهران به نقل از سایت شرکت بورس) و گویا اقدامات عملی نیز در این زمینه انجام شده است، در این بخش به بررسی این اوراق می‌پردازیم. چیزی که قرارداد آتی شاخص سهام را از قرارداد آتی متمایز می‌کند، مبتنی بودن آن بر شاخص سهام است (برخلاف قرارداد آتی کالایی که از یک کالا مشتق شده است). در مباحث پیشین به مسائلی که در مورد این دو نوع قرارداد مشترک است

۱. معصومی‌نیا، بررسی فقهی و اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۲۵۸.

پرداخته شد؛ اما در این مبحث به بررسی فقهی قرارداد آتی شاخص سهام می‌پردازیم؛ شاخص سهام برآیند وضع کلی بازار است و حرکت قیمت سهام در بازار را به صورت کمی نشان می‌دهد. اگر حرکت کلی بازار مثبت باشد شاخص مثبت و در غیر این صورت منفی خواهد بود. قرارداد آتی شاخص سهام قراردادی است که خریدار و فروشنده متعهد می‌شوند که تعداد واحد معینی از شاخص را در قیمت مشخص و در تاریخ معینی با یکدیگر معامله کنند. درباره حکم شرعی قرارداد آتی شاخص سهام، اندیشندان اسلامی نظرات مختلفی دارند، اما همگی بر غیرشرعی بودن آن اتفاق نظر دارند:

۱. شیخ محمد القری می‌گوید: قراردادهای آتی شاخص سهام مشابه قمار است و روشن است که قماربازی محرک اساسی این معامله است.^۱ ۲. علی محی‌الدین قره‌داغی نیز این نوع قراردادها را قمار دانسته و جایز نمی‌داند.^۲ ۳. برخی دیگر نیز با سه دلیل صحت این قراردادها را رد می‌کنند: الف. عدم قدرت بر تسلیم مورد معامله، موجب غرری بودن معامله می‌شود؛ در قرارداد آتی شاخص سهام، شاخص قابلیت تحویل فیزیکی ندارد و در زمره معاملات غرری دسته‌بندی می‌شود. ب. حکم اکل مال به باطل در این جا مصداق می‌یابد، زیرا صرفاً معامله با پیش‌بینی وضع آینده صورت می‌گیرد و هرکدام از طرفین که پیش‌بینی درستی از وضع آینده ارائه دهد در این صورت برنده شده و طرف دیگر بازنده خواهد بود، لذا کسی که پیش‌بینی وی غلط باشد باید زیان ناشی از غلط بودن پیش‌بینی را به طرف دیگر پرداخت کند و این مصداق اکل مال به باطل است و دارا شدن بلاجهت و غیرعادلانه و نامشروع است. ج. به علت شباهت این نوع معاملات با معاملات قمار و بازنده بودن یک طرف و سود بردن طرف دیگر به همان اندازه و عدم توجه به دارایی پایه (دارایی موهومی که مالیت ندارد)، معامله قمار و باطل است.^۳

۱. مجمع الفقه الاسلامی، العدد السادس، ص ۱۴۲۶.

۲. همان، العدد السابع، ص ۱۷۷.

۳. صالح آبادی، امکان‌سنجی راه‌اندازی بازار آتی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، ص ۱۰۱.

۴. از طرفی عده‌ای دیگر معتقدند که صرف مشابهت با قمار موجب حرمت و بطلان یک معامله نمی‌شود، زیرا با استفاده از همان قیاس منهی در فقه شیعی است. اما آنها دلیل بطلان چنین معاملاتی را عدم تأدیه ۱۰۰ درصد موارد این قراردادها با آگاهی کامل خریداران و فروشندگان نسبت به این موضوع و در نتیجه جنبه صوری پیدا کردن آن می‌دانند و بیان می‌نمایند که در نتیجه صوری شدن معامله، ارکان آن دچار اختلال می‌شود و طرفین به امری اقدام می‌کنند که قصد آن را ندارند و تنها هدف آنان این است که با دادن مابه‌التفاوت قیمت‌ها معامله را تسویه کنند.^۱

نتیجه

قراردادهای آتی یکی از ابزارهای نوین در بازارهای مالی دنیا به‌شمار می‌رود که برای پوشش ریسک ناشی از نوسانات قیمت به‌وجود آمد. قرارداد آتی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که در بازارهای مالی مقاصد مختلفی را دنبال می‌کند به‌طوری‌که قراردادهای سنتی و معین در فقه نمی‌توانند چنین نقشی را به‌طور کامل ایفا کنند اگر چه معاملات مشابهی مانند بیع سلف به قراردادهای آتی بسیار نزدیک هستند ولیکن خلاء چنین معاملاتی در بازارهای مالی هم‌چنان احساس می‌شود. راجع به مشروعیت و صحت این قراردادهای محققان اسلامی و حقوقدانان نظرات مختلفی داده‌اند. عده‌ای براین باورند که استفاده از این ابزارها مغایر با موازین فقهی است و قراردادهایی نظیر بیع سلف، استصناع و جعاله جایگزین مناسبی برای این قراردادها می‌باشند. در مقابل عده‌ای دیگر استدلال کرده‌اند که مطابق اصل آزادی قراردادها، هر قراردادی به شرط داشتن شرایط صحت معاملات، معتبر است مگر آن‌که دلیلی برای بطلان آن وجود داشته باشد. حضرت امام خمینی (قدس سره) نیز با استناد به آیه (احل الله البیع) قائل به این نظریه بوده و در صورت عدم وجود مخالفت شروط

۱. معصومی‌نیا، بررسی فقهی و اقتصادی ابزارهای مشتقه، ص ۲۵۸.

صحت عقد، هر نوع عقدی صحیح است. طرفداران عدم مشروعیت این قراردادها، دلایلی نیز اقامه کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به فقدان قصد، غرری بودن، بطلان بیع کالی به کالی، قمار، ربوی بودن، دور شدن از فلسفه ابداع اشاره کرده که هیچ یک قابل اثبات نیست. محققان قراردادهای آتی را در قالب‌های عقود معین مورد بررسی قراردادها از قبیل شرط ابتدایی، بیع سلف، بیع کالی به کالی، تعهد به بیع، جعاله، استصناع، صلح، بیع عربون و ... بررسی کرده‌اند. دقت در ماهیت و آثار قراردادهای آتی و ویژگی‌هایی نظیر لزوم پرداخت ودیعه، عملیات تعدیل وجوه، نقش بورس و اتاق پایپای و اتاق تسویه در این قراردادها، تشریفاتی بودن و استاندارد بودن آنها و روش‌های خاص برای سقوط تعهدات قبل از سررسید نشان‌دهنده آن است که این قراردادها تفاوت عمده‌ای با قالب‌های پیشنهادی دارند و در این قالب‌ها قابل تبیین نیستند.

در نتیجه باید آنها را قراردادهایی جدید و مستقل به‌شمار آورد و از نظر حقوق ایران قراردادهای آتی را می‌توان از جمله مصادیق ماده ۱۰ قانون مدنی محسوب کرد. علاوه بر لزوم وجود شرایط عمومی صحت معاملات در قراردادهای آتی، چند شرط که اختصاص به این قراردادها دارد نیز برای تشکیل این قراردادها لازم و ضروری است از قبیل پرداخت ودیعه، لزوم انجام معامله در بورس‌های رسمی و ... قراردادهای آتی در زمره عقود لازم، تشریفاتی و عهدی قرارداد و از حیث آثار، این قراردادها طرفین را به تکمیل وجه ودیعه و نیز تعدیل وجوه براساس تغییرات قیمت ملزم می‌کند. به این ترتیب این قرارداد در قالب عقدی مستقل و با رعایت سایر موازین شرعی، صحیح بوده و به‌عنوان یک قرارداد خاص می‌تواند در بورس اوراق بهادار مورد استفاده واقع شوند.

منابع

- آرمان، بهمن و پوریان، حیدر، «نقش بورس اوراق بهادار در برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران»، تدبیر، شماره ۱۵۱، ۱۳۸۳ ش.
- آریان‌پور کاشانی، عباس، فرهنگ دانشگاهی آریان‌پور، چ ۱۹، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.
- آرین، محسن، تحلیل فقهی قراردادهای آتی در بورس اوراق بهادار، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، پردیس قم، بهمن ۱۳۹۰.
- ابرام، احمد، ماهیت حقوقی قولنامه در حقوق ایران و مقایسه تطبیقی آن، چ ۱، تهران، نشر فردوسی، ۱۳۷۳ ش.
- ابوالحسنی، اصغر و حسنی مقدم، رفیع، «بررسی انواع ریسک و روش‌های مدیریت آن در نظام بانکداری بدون ربای ایران»، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۳۰، ۱۳۸۷ ش.
- اکبریان، رضا و دیانتی، محمدحسین، «مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۲۴، ۱۳۸۲ ش.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، چاپ بیست و هشتم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، کتاب البیع، ج ۴، قم، مجمع فکر اسلامی، ۱۴۲۴ ق.
- بحرانی، یوسف، حدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره، ج ۱، قم، انشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ ق.
- بخشنده، علی‌رضا، وعده بیع، رساله دکتری رشته حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۸۷.
- براوی، شعبان محمد اسلام، بورصه الاوراق المالیه من منظور الاسلامی، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۲ ق.
- بری‌گام، اوجین اف، گاپنسکی، لوئیس سی و آر دی وز، فیلیپ، مدیریت مالی میانه، علی پارسائیان، تهران، ترمه، ۱۳۸۴ ش.
- بقایی حسین‌آبادی، علی، ریسک مبانی نظری، «کاربردها و ضرورت ادراک آن»، تهران، مجله توسعه مدیریت، شماره ۳۱، آبان ۱۳۸۰.
- بیهقی، احمد بن حسین، سنن الکبری، دارالفکر، بیروت، ج ۵، ۱۴۱۶ ق.
- تدلافتن، قراردادهای آتی، ترجمه کارگزاری بانک صنعت و معدن، چ ۱، تهران، انتشارات کارگزاری بانک صنعت و معدن، ۱۳۸۳ ش.
- تفضلی، فریدون، اقتصاد کلان، تهران، نی، ۱۳۷۸ ش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ارث، چ ۴، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵ ش.

- همو، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، بی نا، ۱۳۴۰ ش.
- همو، حقوق تعهدات، چاپ سوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۴۸ ش.
- همو، دایرة المعارف حقوق مدنی و تجارت، چ ۱، تهران، مشعل آزادی، ۱۳۳۸ ش.
- همو، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چ ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸ ش.
- جمشیدی، ابوالقاسم، بازار سرمایه، تهران، رسا، ۱۳۸۲ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاجر اللغة و صحاح العربیه، چاپ اول، بیروت، لبنان، دارالعلم، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۷۶۸، فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چ ۲، قم، نشر هجرت، ج ۴، ۱۴۱۰ ق.
- جهان‌خانی، علی، پارسایان، علی، بورس اوراق بهادار، چ ۱، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ ش.
- همو، فرهنگ اصطلاحات مالی، چ ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- حسین‌زاده، جواد و شیروی، عبدالحسین، «بررسی فقهی و حقوقی قرارداد اختیار معامله»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مجله علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۲۷، ۱۳۸۶ ش.
- حسینی چالشری، محسن، امکان‌سنجی طراحی قراردادهای آتی در نظام مالی اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، بهمن ۱۳۷۶.
- حسینی، سیدمحمد، «قرارداد آتی و چالش‌های فقهی آن»، دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره اول - پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- درخشان، مسعود، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، چ ۱، تهران، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، ۱۳۸۳ ش.
- راعی، رضا و سعیدی، علی، مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، تهران، سمت، چ ۳، ۱۳۸۷ ش.
- رشیدی، مهدی، بانکداری بین‌المللی ۱، مؤسسه عالی بانکداری ایران بانک مرکزی، چ ۲، ۱۳۸۳ ش.
- رضایی، مجید، «اوراق اختیار معامله در منظر فقه امامیه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۵، ۱۳۸۴ ش.
- رفیعی، محمدتقی، مطالعه تطبیقی مفهوم غرر در معاملات، چ ۱، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات قم، ۱۳۷۸ ش.
- ریاضت، فرهاد، «بررسی فقهی ابزارهای مالی مشتقه»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱،

پاییز ۱۳۸۲.

- همو، «مهندسی مالی و کاربرد آمن در بازار سرمایه اسلامی»، تهران، مجله حسابدار، شماره ۱۲۸. زهتابیان، مصطفی و پیره، مجید، «قرارداد آتی»، ماهنامه بورس، شماره ۷۹، بخش اول، ۱۳۸۷ ش.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، چ ۱، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۴ ش.
- سرآبادانی، غلامرضا، نگرش اسلام به فعالیت بازار بورس اوراق بهادار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، ۱۳۷۹ ش.
- سروش، ابوذر و صادقی، محسن، «مدیریت ریسک اوراق بهادار اجاره»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۲۷، ۱۳۸۶ ش.
- سلطانی نژاد، هدایت الله، «بررسی اعتبار بیع کالی به کالی در حقوق ایران و منابع فقهی»، نامه مفید، شماره ۶، تابستان ۱۳۷۵.
- سولیم، سامی ابراهیم، پوشش ریسک، محمدمهدی عسکری و همکاران، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، چ ۱، ۱۳۸۶ ش.
- سیمایی صراف، حسین، شرط ضمنی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق، چ ۱، ۱۳۸۰ ش.
- شایان آرانی، شاهین، «مدیریت ریسک و بانکداری اسلامی غیردولتی»، مجموعه سخنرانیها و مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران، چ ۱، ۱۳۸۰ ش.
- شهرآبادی، ابوالفضل، «حق تقدم خرید و اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام عادی»، تهران، مجله حسابدار، شماره ۱۲۷، ۱۳۷۷ ش.
- شهیدی، مهدی، آثار قراردادهای و تعهدات، چ ۳، تهران، مجد، ۱۳۸۲ ش.
- همو، تشکیل قراردادهای و تعهدات، چ ۶، تهران، انتشارات مجد، جلد اول، ۱۳۸۶ ش.
- همو، قرارداد تشکیل بیع، چ ۱، تهران، مجموعه مقالات حقوقی، نشر مجد، ۱۳۸۵ ش.
- شیوا، رضا و میکائیل پور، حسین، «مدیریت ریسک در حوزه بانکداری»، مجموعه سخنرانیها و مقالات چهارمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران، چ ۱، ۱۳۸۲ ش.
- صادقی نشاط، امیر، «بیع کالی به کالی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۷، بهار ۱۳۷۹.
- صالح آبادی، علی، امکان سنجی راه اندازی بازار آتی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (ع)، تابستان ۱۳۸۱.

صیقلی، محسن، کنعانی مقدم، حسین، «بررسی قراردادهای تاخت و آتی‌ها به‌عنوان ابزارهای تأمین مالی جدید مطابق با عقود اسلامی و حقوق مدنی ایران»، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران، ۱۳۸۸ ش.

طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چ ۲، ۱۴۱۸ ق.

طاهری، محمد، «قرارداد آتی دیروز تا امروز»، روزنامه شرق، ۱۱ بهمن ۱۳۸۲.

طریق‌اله‌خان و حبیب‌احمد، مدیریت ریسک و بررسی عوامل بروز آن در صنعت خدمات مالی اسلامی، ترجمه محمد مهدی موسوی بیوکی، چ ۱، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷ ش.

طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، المبسوط، چ ۱، قم، نشر اسلامی، ج ۲، ۱۴۲۵ ق.

عصمت پاشا، عبیدالله، «فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه و دیدگاه‌های فقهی»، ترجمه علی صالح آبادی، مجله علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۹، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فیوزی، فرانک و همکاران، مبانی بازارها و نهادهای مالی، ترجمه حسین عبده تبریزی، تهران، نیل، چ ۱، ج ۱، ۱۳۷۶ ش.

فرهنگ، منوچهر، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، چ ۱، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۱ ش.

فطانت، محمد و آقاپور، ابراهیم، اوراق اختیار معامله در بازار سرمایه، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی پژوهشکده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چ ۱، ۱۳۸۰ ش.

قنواتی، جلیل، «مطالعه تطبیقی زمان انتقال ملکیت در عقد بیع»، اندیشه‌های حقوقی، شماره ۵، ۱۳۸۲ ش.

قنواتی، جلیل، وحدتی شبیری، سیدحسین، عبدی پور، ابراهیم، حقوق قراردادها در فقه امامیه، چ ۱، تهران، سمت، ۱۳۷۹ ش.

کلباسی، ناهید، موضوعاتی در پول و بانک، تهران، رسا، چ ۱، ۱۳۸۵ ش.

کهزادی، نوروژ، «مدیریت ریسک در بانکداری الکترونیک»، مجموعه سخنرانیها و مقالات چهارمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه عالی بانکداری ایران، چ ۱، ۱۳۸۲ ش.

کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، ایقاع، چ ۳، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۸۴.

همو، عقود معین، چ ۱۰، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۱، ۱۳۸۷ ش.

همو، قواعد عمومی قراردادها، چ ۷، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵ ش.

- گروه مؤلفان، فرهنگ حقوقی مجد، چ ۹، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸ ش.
- گلریز، حسن، بورس اوراق بهادار، چ ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۴ ش.
- همو، فرهنگ توصیفی اصطلاحات پولی، بانکداری و مالیه بین‌المللی، چ ۱، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۰ ش.
- لطیفیان، حسین، قولنامه، ماهیت حقوقی و آثار آن، چ ۲، تهران، روزنامه رسمی، ۱۳۷۱ ش.
- لیارد، ار و والترز، تئوری اقتصاد خرد، ترجمه عباس شاکری، تهران، نی، چ ۱، ۱۳۷۷ ش.
- مؤمن قمی، محمد، «استصناع»، مجله فقه اهل بیت، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۶ ش.
- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، چ ۱۹، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
- مرادی، مهدی، «اوراق اختیار معامله، قراردادهای تحویل آتی و قراردادهای اسلامی مشابه با آنها»، دانش و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲۱، ۱۳۸۶ ش.
- مصباحی مقدم، غلامرضا و صفری، محمد، «بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه‌های اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۳۶، ۱۳۸۸ ش.
- معاونت پژوهشی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، بررسی قراردادهای آتی از منظر شرعی، فروردین ۱۳۹۱.
- معصومی‌نیا، غلام‌علی و بهاروندی، احمد، «بررسی فقهی قراردادهای پوشش ریسک دارایی‌های ارزی»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مجله علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۱، ۱۳۸۷ ش.
- معصومی‌نیا، غلام‌علی، بررسی فقهی و اقتصادی ابزارهای مشتقه، چ ۲، تهران، انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
- مکی عاملی، شمس‌الدین محمد (شهید اول)، دروس الشرعیه فی فقه الامامیه، چ ۱، قم، مؤسسه نشراسلامی، ج ۳، ۱۴۱۴ ق.
- همو، لمعه الدمشقیه، ترجمه و تبیین محسن غروی‌ان، علی شیروانی، چ ۳۱، قم، دارالفکر، ۱۳۸۶ ش.
- موسوی خمینی، روح‌الله، کتاب البیع، قم، مطبعه مهر ج ۱، بی‌تا.
- موسویان، سیدعباس و موسوی بیوکی، سیدمحمد مهدی، «بررسی امکان استفاده از سوآپ بازده کل جهت مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مجله علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۷، ۱۳۸۹ ش.

- موسویان، سیدعباس، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، چ ۲، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
- میشکین، فریدریک. اس، اقتصاد پول، بانکداری و بازارهای مالی، ترجمه احمد شبیانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، چ ۱، ۱۳۹۰ ش.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چ ۷، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۲۲.
- نراقی، مولی احمد، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، چ ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
- نیازی، مهدی، «مروری بر ریسک فعالیت‌های بانکی و راهکارها»، مجله بانک و اقتصاد، ش ۶۲، ۱۳۸۴ ش.
- وایت تیکر، سیمون، اصول قراردادها در حقوق فرانسه، ترجمه دکتر حسن ره پیک، چ ۱، تهران، نشر خرسندی، ۱۳۸۵ ش.
- ویلیامز، چستر آرتور و هاینز، ریچارد، مدیریت ریسک، داور ونوس و حجت‌الله گودرزی، تهران، نگاه دانش، چ ۱، ۱۳۸۲ ش.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، «استصناع»، مجله فقه اهل بیت، شماره ۱۹ و ۲۰، ۱۳۷۸.
- هال، جان، مترجم صالح آبادی، علی، سیاح، سجاد، مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، چ ۱، تهران، رایانه تدبیر پرداز، ۱۳۸۴ ش.

Hudson, Alastair, *The Law on Financial Derivatives*, London, Sweet & Maxwell, 2006, p.28.

Idem, *The Law on Financial Derivatives*, London, Sweet & Ma.
<http://bourse24.ir>

www.bazarsahambourse.com; www.erisk.com; www.irbourse.com
www.rdis.ir; www.seo.ir; www.tebyan.com